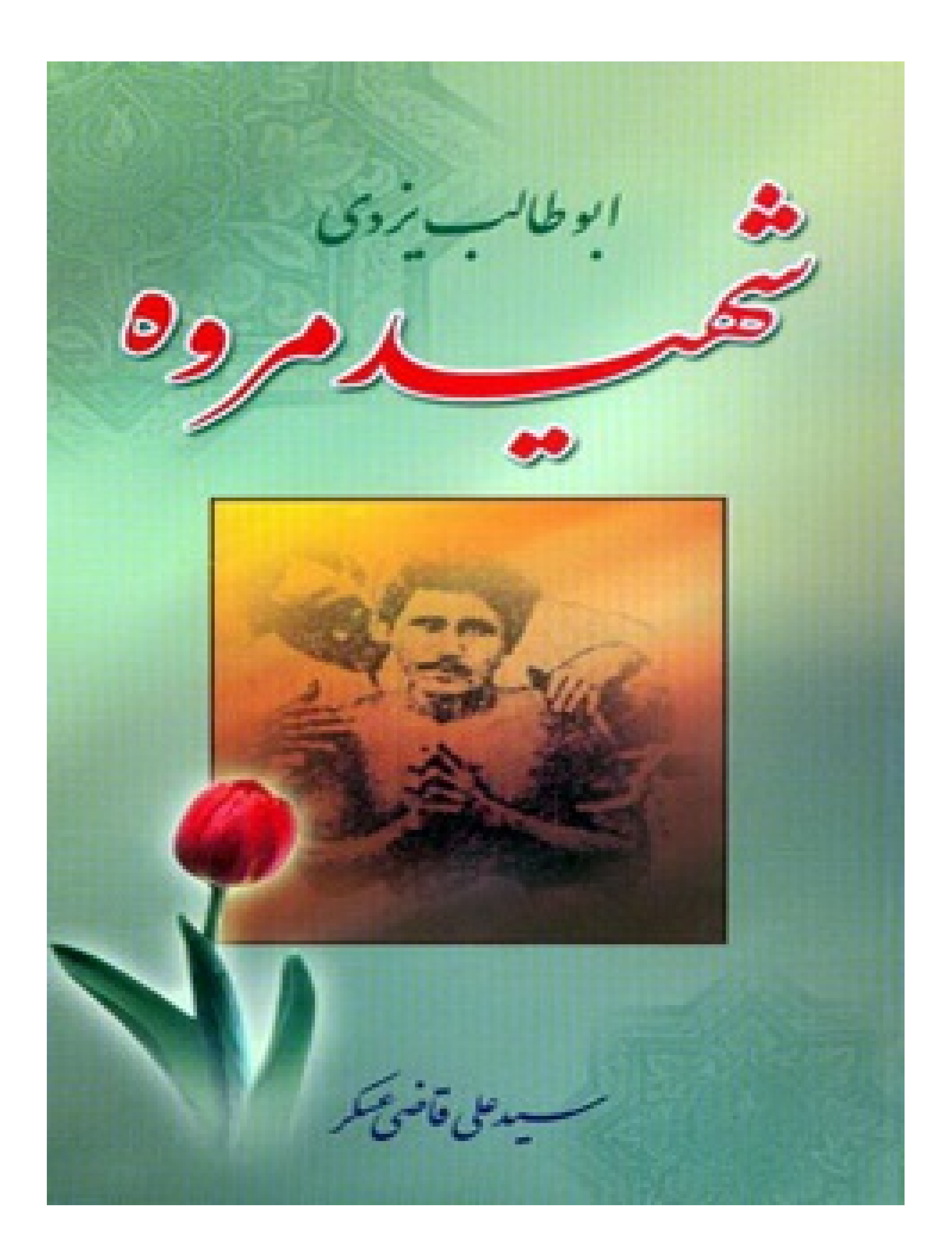

ابو طالب یزدی
شہید مروہ
سید علی قاضی عسکر



# ابوطالب یزدی : شهید مروه


نویسنده:

علی قاضی عسکر



ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# ابوطالب یزدی : شهید مروه

## مشخصات کتاب

سرشناسه : قاضی عسکر، علی ۱۳۲۵-

عنوان و نام پدیدآور : ابوطالب یزدی : شهید مروه علی قاضی عسکر.

مشخصات نشر : تهران : مشعر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص ؛ ۱۱×۵/۱۹س‌م

شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴۷۶۳۵۷۵۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : یزدی ابوطالب ۱۳۰۰ - ۱۳۲۲.

موضوع : حج

موضوع : شرفای مکه

موضوع : ایران -- روابط خارجی -- عربستان سعودی

موضوع : عربستان سعودی -- روابط خارجی -- ایران

رده بندی کنگره : DSR۱۵۰۲/۳/ع۴ق۲

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵۰۲۷

شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۷۵۷۹

ص: ۱

## اشاره

ص: ۲


ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

## مقدمه

ص: ۹

آزار و اذیت پیروان و شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام از روزگار آن حضرت آغاز و تا به امروز ادامه یافته است. از همان زمان که علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام به عنوان رهبر و پیشوای جامعه اسلامی به مردم معرفی گردید، ناخالصی‌های برخی از صحابه و دشمنی‌های امویان آشکار شد و رفته رفته رو به فزونی نهاد و آنگاه که آن حضرت رسماً و به درخواست اکثر قریب به اتفاق مردم خلافت را پذیرفت، این ناخالصی‌ها تقریباً به اوج خود رسید. بخش عظیمی از این دشمنی‌ها بدان‌جهت بود که خلافت نزد علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام وسیله‌ای برای احیای حقّ و عدل در جامعه و میراندن و از میان برداشتن باطل بود و آن حضرت هرگز نمی‌خواست به دلیل تداوم یافتن حکومت خود، عناصر ناصالح را در سمت‌های حسّاس نظام اسلامی حفظ کند و از ظلم و ستم آنان چشم پوشی نماید و این سیاست روشن و قاطع را از همان آغازین روزهای پذیرش خلافت، صریح و روشن

ص: ۱۰

در خطابه‌های خویش بیان کرد و با مردم در میان گذاشت.

از این رو جبهه گیری‌ها در برابر آن حضرت آغاز شد و قاسطین و مارقین و ناکثین، هر کدام با روش‌ها و تاکتیک‌های مخصوص به خود، مقابله با علی بن ابی‌طالب علیه السلام و راه و رسم آن‌حضرت را آغاز کردند. میثم تمّارها به جرم بیان فضایل و مناقب امیرمؤمنان علی علیه السلام به چوبه دار بسته شدند و زبانشان را از قفا بیرون کشیدند و رشید هجری‌ها به دلیل پافشاری بر راه و رسم آن حضرت، شربت شهادت نوشیدند و این خط سرخ خون و شهادت تا به امروز ادامه یافته است.

در ایجاد این دشمنی، بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس نقش اساسی ایفا کرده، با شهید و زندانی ساختن و قطع حقوق و امکانات و تحریم اقتصادی و تبلیغات گسترده بر ضدّ پیروان اهل بیت علیهم السلام تصمیم گرفتند، پیامبر صلی الله علیه و آله و دودمانش را از حافظه تاریخ حذف کنند.

با حمایت خلفای بنی‌امیّه و بنی‌عباس و وارثان ستمگر آنان در طول تاریخ، خط ضدّیت با طرفداران اهل‌بیت علیهم السلام دنبال شد و رفته رفته در قلمرو حکومت اسلامی و خصوصاً منطقه حجاز به صورت یک فرهنگ درآمد. هر انسان پژوهشگری که در این راستا به تحقیق بپردازد، با صحنه‌های دلخراش و جانسوز بسیاری روبرو می گردد و اقیانوسی از غم و اندوه به جان و روحش می‌ریزد که تحمل آن بسیار دشوار و سخت است.

این قلم به دنبال آن نیست تا به گذشته‌های دور باز گشته،

ص: ۱۱

جنایات غم‌بار و ظلم‌هایی که در حقّ پیروان علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام روا داشته‌اند را به تصویر کشد؛ بلکه تنها به شهادت مظلومانه یکی از پیروان و شیعیان علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام در حرم امن الهی اشاره خواهد داشت که ریشه در همان فرهنگ ضدّیت با تشیّع دارد.

در پایان لازم می‌دانم به این موضوع مهم اشاره نمایم که:

هم‌اکنون روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، دوستانه و صمیمانه است و با خواست مقامات و مسئولان دو کشور، پیوسته به سمت پایداری و استحکام هر چه بیشتر پیش می‌رود، بنابراین بررسی مستند و علمی این رویداد مهمّ تاریخی، نه‌تنها خللی در این روابط ایجاد نمی‌کند بلکه زمینه را برای عبرت‌گیری از گذشته و بهره‌برداری از آن در آینده فراهم خواهد ساخت.

مؤلّف

ص: ۱۲

ص: ۱۳

حرکت به‌سوی مکه

## حرکت به‌سوی مکه

جوان ۲۲ ساله‌ای به نام میرزا ابوطالب یزدی، فرزند حاج حسین مهرعلی، در سال ۱۳۲۲ ه. ش. با همسرش، به قصد تشرّف به حج، از راه خرمشهر به کویت رفته و از آنجا با شتر به‌سوی سرزمین حجاز و مکه حرکت می‌کند و پس از طیّ مسافتی طولانی و با پشت سرگذاشتن رنج‌ها و سختی‌های فراوان، وارد مکّه می‌شود و پس از انجام عمره تمتّع، چند روزی را در مکّه می‌ماند و سپس برای حجّ تمتّع محرم شده، پس از وقوف در عرفات و مشعر و منا روز دهم ذی‌الحجّه برای ادامه اعمال، به مکّه باز می‌گردد. سپس در یکی از قهوه‌خانه‌های کوچك مکّه، از غذایی (۱) که بعداً احتمال داده شد از گوشت فاسد تهیّه شده باشد، استفاده کرده و پس از مدّت کوتاهی،

---

۱- گزارش آقای علی سپهری که در پایان، متن آن خواهد آمد حاکی از آن است که میرزا ابوطالب، کله‌پاچه گوسفند قربانی خود را پخته و پس از خوردن آن گرفتار ناراحتی شده است.

ص: ۱۴

برای انجام اعمال وارد مسجدالحرام شده، مشغول طواف می‌شود.

لیکن در اثر گرمی هوا و خستگی راه و نیز استفاده از غذای فاسد، حالت استفراغ به او دست داده و برای اینکه با قِی کردن، زمین مسجدالحرام را آلوده نسازد، در دامان احرام خود استفراغ و بلافاصله اطراف آن را می گیرد و مراقبت می کند تا روی زمین نریزد.

عدّه‌ای از حجّاج که برخی از آنها نیز مصری بودند وقتی این حاجی ایرانی را با آن حال مشاهده می کنند- با توجّه به پیشینه ذهنی برخی سنّی‌ها که شایع کرده بودند شیعیان حرم مکّه و مدینه را عمداً ملوّث می کنند- به وی حمله کرده، کتک سختی به او می‌زنند، در این هنگام به ناچار دامن احرام از دست او رها می‌شود و قِی روی زمینِ حرم می‌ریزد و عده‌ای شروع به جار و جنجال می کنند.

با جنجال آفرینی این افراد، شرطه‌های حرم، این حاجی مظلوم را بلافاصله دستگیر کرده، به همراه برخی دیگر از طواف کنندگان در محکمه حاضر و علیه این حاجی ایرانی شهادت می‌دهند که او قصد داشت تا حرم و کعبه را آلوده کند، قاضی نیز بدون بررسی و تحقیق و استماع دلائل متّهم، حکم اعدام او را صادر می کند و سرانجام در محلّ صفا و مروه و در حضور حاجیانی که از سراسر جهان اسلام به حج آمده بودند، وی را گردن می‌زنند.

ص: ۱۵

## گزارش روزنامه انگلیسی

روزنامه لنکستر دیلی‌پست چاپ انگلستان در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۴۴ م با عنوان «ایران با ابن سعود قطع رابطه می‌کند» در این رابطه چنین نوشت:

وقتی که یک نفر پیش خدمت قهوه‌خانه کوچکی در مکّه، خوراکی را که از گوشت فاسد تهیّه شده بود به مشتری‌های خود داد خیال نمی‌کرد این کار موجب مشکلات مهمّی بین دو مملکت [ایران و عربستان] خواهد گردید ولی حرص و آز او واقعاً چنان دشواری‌هایی را ایجاد کرد.»

سپس می‌افزاید:

«مکّه شهری است که هر مسلمانی میل دارد آنجا را لااقل یک مرتبه در مدّت عمر زیارت کند ولی جنگ، مانع از این شده است که حجّاج از کشورهای دور، برای زیارت به آنجا بروند، لیکن در هر حال، مسلمانان متعصّب هر طور که باشد از نقاط مختلف عربستان، عراق و ایران به آنجا رفته و قهوه‌خانه‌های مکّه هم رونقی پیدا می‌کنند، تقریباً دو هفته قبل جمعی از حجاج ایرانی به مکّه رسیده و در یکی از کاروان‌سراها فرود آمده و قبل از انجام مراسم حج و زیارت کعبه، چون به واسطه مسافرت طولانی در صحرا خسته و گرسنه شده بودند، خواستند غذای

ص: ۱۶

مطلوبی تناول کنند، پیش‌خدمت طمّاع، خوراکی از گوشت بز که شاید فاسد هم شده بود، به آنها داد و در نتیجه، همان موقع که ایرانی‌ها مشغول انجام مناسک حج بودند، در کعبه [مسجدالحرام] حاضر شدند و به واسطه این‌که غذای مسموم تناول کرده بودند، مریض شدند. ناگهان هزاران حاجی که آنجا حضور داشتند از ملاحظه این واقعه بنای داد و قال را گذاشتند و فوراً شرطه‌ها حاضر گردیدند. این پاسبانان از میان سَبُع‌ترین عشیره بدویان مکّه که جزو کشور ابن سعود معروف، قائد وهابیان می‌باشند، استخدام گردیده و آنها می‌خواستند بیگانگانی را که به مقدّسات مذهبی توهین وارد آورده‌اند، فوراً به قتل برسانند و هیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌پذیرفتند؛ زیرا استفراغ در خانه کعبه [مسجدالحرام] توهینی نسبت به پیغمبر است که هیچ سابقه نداشته و فقط مرگ، گناه مرتکب را جبران‌خواهد کرد!

عاقبت تصمیم گرفتند اسرا را به حضور قاضی که از طرف ابن سعود برای جرم‌های ارتکابی حجاج، در محوطه کعبه [مسجدالحرام] معین شده است ببرند.

قاضی در پرتو حکمت سلیمانی! خود رأی داد ... و این فتوا بدون تأخیر در حضور مردم و در میان هلهله آنان اجرا شد ...»

ص: ۱۷

## گزارش سفارت ایران از مصر

در آن زمـان به دلیـل جنگ‌هـای داخلی در عربسـتان و نیز جنـگ بین‌الملـل، سـفارت ایران در حجاز تعطیل و کشور مصـر به عنوان حافظ منافع ایران تعیین شده بود. ازاین‌رو، دولت ایران نتوانست به موقع از این خبر مطّلع گردد.

سفارت ایران در مصـر، بلافاصله پس از بازگشت حاجیان توسّط آقای سیّدباقر کاظمی (۱) که خود در مراسم حج حضور داشته، از این حادثه جانگداز مطّلع شد و گزارش مبسوطی در تاریخ ۳۰/ ۹/ ۱۳۲۲ به این شرح تهیّه و به تهران مخابره کرد:

مطـابق دسـتور تلگرافیِ وزارت امور خـارجه، چون نظر به مشـکلاتی که برای مسـافرت حـج پیش‌بینی می‌شـد، دولت از دادن اجازه مسـافرت به حجّ‌اج ایرانی خـودداری نمـود، اینجـانب به حجـاز مسـافرت ننمـوده، کسـی را هم از طرف سـفارت برای رسـیدگی به وضـعیّت حجاج اعزام نداشـته و برای عدّه‌ای از حجاج ایرانی که تصوّر می‌رفت به آنجا بروند از دولت مصـر تقاضا شد، حفظ منافع اتباع ایرانی را در موسم حجّ سال جاری در حجاز قبول نمایند، تلگرافاً و کتباً نیز گزارش این امر به آگهی اولیای امور رسیده است.

---

۱- آقای سیّدباقر کاظمی در سه دوره وزیر خارجه بوده است: ۱- شهریور ۱۳۱۲ تا اسفند ۱۳۱۴، ۲- از بهمن ۱۳۲۶ تا اسفند ۱۳۲۶، ۳- از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا تیرماه ۱۳۳۱.

ص: ۱۸

سال گذشته با وجود منع مسافرت حجّاج، به‌طوری که در گزارش سفارت مصر در جدّه نیز به عرض رسیده، در حدود یک هزار و ششصد نفر حاجی ایرانی به حجاز رفته بودند، امسال نیز مانند سال گذشته، عدّه زیادی از ایرانیان به طور قاچاق از راه کویت یا از ایرانیانی که برای زیارت عتبات آمده بودند، از راه نجف به حجاز مسافرت نمودند.

از قرار معلوم عدّه آنهایی که به قصد حجّ حرکت کرده بودند، در حدود شش هزار نفر بوده که در حدود دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسائل مسافرت، ناچار از مراجعت شده و در حدود چهار هزار نفر آنها با هزار سختی و بد بختی، خود را به حجاز رسانیده‌اند و در حدود ۱۲۰ نفر یا عدّه بیشتری از آنها نیز مانند سال ۱۳۶۰ هجری به موقع به حجاز نرسیده و از درک حجّ محروم ماندند.

امسال علاوه بر این بدبختی‌ها که نصیب حجّاج شده اتّفاقات ناگوار بسیاری در آنجا رخ داده، که منتهی به قتل یک نفر از حجاج ایرانی گردیده است و چون سفارت مصر که حافظ منافع اتباع ایرانی است، در این باب به این سفارت خبری نداده و حجاج تا کنون نرسیده بودند، سفارت از این موضوع بی‌اطلاع بود تا اینکه جناب آقای سیّدباقر کاظمی که از راه مصر به حجّ مشرّف شده بودند، دیروز (سه شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۲۲) با اوّلین کشتی حجاج مراجعت فرمودند. شرح این اتّفاقات را دادند که خلاصه اظهارات ایشان در

ص: ۱۹

زیر به آگهی اولیای امور می‌رسد:

در اوایل ایّام حجّ که هنوز حجّاجی که به حجاز رسیده بودند، زیاد نبود، شنیده شد تلگرافی از عراق رسیده است دایر بر اینکه در حدود پنج هزار حاجی ایرانی در راه هستند. چون دولت شاهنشاهی اجازه مسافرت به حجّاج ایرانی نداده بود، تصوّر نمی‌رفت عدّه‌ای به این زیادی توانسته باشند به طور قاچاق از ایران خارج شده باشند، لذا در ابتدا گمان کردیم در شماره اشتباه شده، یا خبر به کلّی بی‌اساس است ولی طولی نکشید که معلوم شد حدود شش‌هزار نفر ایرانی که عدّه زیادی از آنها به‌طور قاچاق از مرز ایران خارج شده‌اند و به کویت رفته‌اند و عدّه دیگری که به عنوان زیارت عتبات به عراق آمده بودند و از آنجا قصد حجّ نموده‌اند، به سمت حجاز حرکت کرده‌اند و دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسیله مسافرت ناچار از بازگشت شده و در حدود چهار هزار نفر آنها به حجاز آمدند که از این عدّه در حدود ۱۲۰ نفر یا عدّه بیشتری به موقع نرسیده و به درک حج موفق نشدند.

نظر به اختلاف رؤیت هلال ذی‌حجّه، امسال نیز مانند غالب سال‌ها راجع به عید اختلاف بود، در ایران، افغانستان و عراق و سوریه و حتّی مصر روز چهارشنبه عید بود و تنها در حجاز روز سه‌شنبه را عید گرفتند، سایرین مطابق افق محلّ و شهادت شهود رؤیت هلال، مانند خودِ اهالی کشور عربی سعودی اوّل ماه را مطابق محلّ قبول کردند ولی ایرانیان و عدّه‌ای از شیعیان عراقی، چون

ص: ۲۰

هلال را ندیده بودند شهادت شهود سعودی را قبول نداشتند.

با اینجانب (جناب آقای کاظمی) و سیّدباقر بلاط (رییس تشریفات دربار عراق) و عبدالهادی چلبی از اعیان شیعیان عراق صحبت نمودند اقدامی شود [تا] اجازه دهند دو موقف باشد؛ یعنی پس از وقوف عرفات که مطابق محلّ روز دوشنبه نهم ذی‌حجّه بود روز سه‌شنبه را هم به حساب شیعیان نهم ذی‌حجّه بود مجدّداً در عرفات وقوف کنند.

به آنها اظهار نمودیم که این موضوع عملی نیست، سابقه هم دارد، در سالهایی که اختلاف در رؤیت هلال بود هیچ‌وقت دولت عربی اجازه تعدّد موقف را نداده، بلکه این امر را موجب ایجاد اختلاف و شقاق بین مسلمین می‌داند و آن را شرعاً جایز ندانسته، بلکه تقاضا کنندگان این امر را مخالف وحدت مسلمین تشخیص داده سخت مجازات خواهند نمود و چون خودِ آنها نیز وقوف عرفات را رکن حج می‌دانند سعی دارند وقوف آنها صحیح باشد و به طوری که خود ملك ابن سعود اظهار می‌داشت، اشخاص تیزبینی را مأمور رؤیت هلال می‌کنند و در شهرهای مختلف نجد در روز معیّن عدّه زیادی مترصّد رؤیت هلال هستند و تلگرافاتی از اطراف راجع به این موضوع می‌رسد و قاضی شرع در شهادت شهود دقّت کافی به عمل می‌آورد؛ لذا با این سوابق، عدم قبول فتوای حاکم شرع را، مانند توهین خیلی شدیدی تلقّی خواهند نمود و اصرار در این موضوع علاوه بر اینکه مفید فایده‌ای نیست، ممکن است برای

ص: ۲۱

حجاج شیعه خطراتی داشته باشد.

خوشبختانه حضرت [آیةاللّه العظمی] آقای سیّدابوالحسن اصفهانی هم آقای سیّدابراهیم شُبّر را از طرف خود به حجاز اعزام فرموده بودند که در این قبیل اختلافات، نظر حضرت آیةاللّه را به شیعیان ابلاغ نماید. ایشان را ملاقات نموده در این باب سخن به میان آوردم. اظهار نمود که حضرت آیةاللّه اصفهانی به ایشان دستور داده‌اند در این قبیل اختلافات اگر در نتیجه این اختلاف معلوم شود که تعدّد موقف، ممکن است زیان یا خطری برای حجّاج شیعه ایجاد نماید مطابق موقف محل عمل کنند و چون نظر حضرت آیةاللّه هم همین بود قرار شد آقای سیّدابراهیم شبّر امر ایشان را به حجّاج ابلاغ کنند.

اینجانب و آقایان دیگر نیز هر یک به نوبه خود این موضوع را به حجّاج حالی نمودیم و قرار شد امسال این موضوع را ابداً مطرح نکنند که اختلاف بین سنّی و شیعه رخ ندهد و خطری متوجّه حجّاج ایرانی نگردد، ولی بعداً آگاهی یافتیم که عدّه‌ای از ایرانیان به زبان فارسی عریضه‌ای به ملک ابن سعود نوشته تقاضا کرده‌اند که به آنها اجازه دهند روز چهارشنبه را هم که به حساب ایران نهم ذی‌حجّه و به حساب حجاز عیدقربان بود برای وقوف به عرفات بروند.

ملک از این تقاضا سخت متغیّر شده و به رییس شهربانی دستور داده بود، نویسندگان عریضه را گرفته، حبس نموده، سخت مجازات کند و به قراری که رییس شهربانی می‌گفت این موضوع را

ص: ۲۲

به طور مناسبی حل کرده بود.

اینجانب چون در میهمانخانه بانک مصر منزل داشتم، با حجاج مصری مطابق محلّ به منا و عرفات رفته، مناسک حجّ را انجام دادم ولی معلوم شد که با تمام این مقدّمات عدّه خیلی زیادی از حجاج ایرانی و شیعیان عراقی، روز چهارشنبه را نیز که می‌بایستی همه به منا مراجعت کرده باشند به عرفات رفته‌اند و رییس اداره شهربانی حجاز اظهار می‌داشت که بعد از ظهر روز مزبور، ملک با کمال تنفر و خشم، به وسیله تلفن به او آگاهی داده بود که اطلاع پیدا کرده است عدّه‌ای از حجاج ایرانی به عرفات رفته‌اند و دستور داده که فوراً به هر وسیله که شده آنها را بازگرداند و نامبرده با عدّه زیادی سرباز به آنجا رفته مشاهده نموده بود که مانند روز وقوف، عده خیلی زیادی در آنجا هستند، با زحمت زیاد آنها را راه انداخته بود ولی آنها بدان اکتفا ننموده به مشعرالحرام نیز رفتند، از آنجا هم با سختی فوق‌العاده آنها را به منا فرستاد و به قراری که خودش مدعی بود، به ملک گفته بود این عدّه مخالفت با اجماع ننموده‌اند و برای وقوف مجدّد به عرفات نرفته‌اند بلکه نظر به نداشتن وسیله مجبوراً در عرفات مانده‌اند!

در هر صورت این حرکت خیلی در ملک ابن سعود و رجال متعصب کشور عربی سعودی اثر بدی باقی گذاشته بود و آن را به شکل توهین شدیدی تلقی نموده، کینه آنها را در دل گرفته به فکر انتقام بودند.

ص: ۲۳

بعد از مراجعت حجاج از منا و پایان مناسک حج شنیده شد، یک نفر از حجاج ایرانی را به عنوان اینکه حرم مطهّر مکّه معظّمه را ملوّث نموده گرفته و بین صفا و مروه در مقابل اداره شهربانی کَت بسته حاضر و پس از قرائت حکمی او را با شمشیر سربریده‌اند، امیرالحج مصر نیز مرا دیده، راجع به این موضوع بازجویی نموده می‌پرسید، این شخص از کدام دسته از شیعیان است؟

رفع اشتباه ایشان را نموده، تأکید کردم که هیچ عاقلی نباید به سخن عدّه‌ای جاهل و متعصّب گوش بدهد و این اتّهامات باطل را باور کند؛ زیرا معقول نیست یک نفر مسلمان که روزی پنج دفعه به این خانه متوجّه شده نماز می‌گزارد و هزارها فرسنگ راه طی کرده و جان خود را در این وقت سخت به خطر انداخته، برای ادای فریضه مذهبی که بر تمام مسلمانان واجب است به حجّ آمده چنین کاری نماید.

پس از انتشار خبر بلافاصله در بین سنّی‌ها عموماً و مصری‌ها خصوصاً بر علیه ایرانیان هیجان شدیدی برپا و در چندین جا بین سنی‌ها و شیعه‌ها زد و خوردهایی رخ داد و ممکن بود کار بالا کشیده بلوایی برپا شود و خون صدها مردم بی‌گناه ریخته شود.

سراغ وزیر مختار مصر را که حافظ منافع اتباع ایران است گرفتم، گفتند به جدّه رفته است، کنسول را خواستم ملاقات کنم ممکن نشد!! معلوم می‌شود در مکّه بوده و رو نشان نمی‌داد یا حقیقتاً نبوده.

ص: ۲۴

بالأخره صبری ابوعلم پاشا وزیر دادگستری مصـر را که در مهمانخانه بانک مصـر منزل داشت و با او سابقه آشنایی پیدا کرده- شب قبل راجع به اتّحاد اسـلام و رفع اختلافات موجوده بین مذاهب مختلف مسلمین صحبت هایی می کردیم- را ملاقات کرده گفتم مگر نشـنیده‌اید یک نفر مسـلمان را به چه تهمتی کشـته‌اند؟ و مگر نمی‌دانید که بین سنّی‌ها و شیعه‌ها زد و خوردهایی رخ داده و ممکن است در نتیجه این تهمت باطل و بی‌اساس خون عدّه زیادی از مسلمین ریخته شود؟ چاره‌ای باید کرد! گفت من که سمتی ندارم چه می توانم بکنم؟

من هم یک نفر حاجی مثل شـما و دیگران هسـتم و سـمت رسـمی نـدارم ولی وظیفه مسـلمانی من و شـما این است که از این بلوا و خونریزی، هر یک به سـهم خود جلوگیری کنیم. به علاوه بین مصـر و ایران روابط برادری و دوستی موجود است و ایجاب می‌نماید ایرانیان و مصـریان دست به دست هم داده از وقوف یک چنین بلوایی جلوگیری کنند، از این گذشـته دولت مصـر حافظ منافع اتباع ایران را قبول کرده وزیر مختار به جـدّه رفته، کنسول هم معلوم نیست کجاست؟ شـما که یک نفر وزیر مصـری هستیـد بایـد اقـدامی کنید!

به اتّفاق وزیر دادگستری مصر به اداره شهربانی رفته، رییس شهربانی را ملاقات نمودیم، اظهار داشت وضعیت خیلی بد است.

گفتم شخصـی به نـاحقّ کشـته شـده، به جـای خود، فعلًا بایـد از اتفاقات سوء دیگری جلوگیری کرد، نخست بایـد به مطوّفین شـیعه دستور

ص: ۲۵

اکید بدهید که نگذارند حجّاج شیعه از خانه‌های خود بیرون آیند، تا برای حفظ حیات آنها اقدامی به عمل آید.

دیگر اینکه عدّه زیادی پاسبان و افسر فهمیده، به حرم و سایر جاهایی که محلّ اجتماع حجّاج است بفرستید که از نزاع و اختلاف حجّاج جلوگیری کنند، از ملک هم باید اجازه گرفت که حجّاج ایرانی پیش از سایر حجّاج به مدینه مسافرت نمایند. رییس شهربانی مطابق تقاضای ما این اقدامات را پسندید.

اینجانب و عدّه‌ای دیگر از حجاج عراقی نیز این موضوع را به آگاهی سایر حجّاج شیعه رسانیدیم، از قرار معلوم حاجی بدبختی که بی‌گناه و در نتیجه جهل و تعصب، مقتول شده از اهالی یزد بوده که با عیال خود به حج مشرف شده بوده است و در حال طواف در نتیجه گرمی هوا و کسالت، حالت استفراغ به او دست می‌دهد و برای اینکه قِی او زمین را آلوده نکند، در دامن احرام خود استفراغ می‌کند، عدّه‌ای از حجاج احمق و متعصّب که غالباً مصری بوده‌اند، او را در این حال مشاهده می‌نمایند و چون این امر بی‌اساس بین سنّی‌ها شایع است که شیعیان، حرم مکّه و مدینه را متعمّداً ملوّث می‌کنند؛ به او حمله نموده، کتک سختی به او می‌زنند و دامن احرام از دست بی‌چاره رها شده، قی روی زمین حرم می‌ریزد، همان عدّه و عدّه‌ای دیگر بر علیه او شهادت داده، به تهمت اینکه متعمّداً در حرم مکّه تَغَوُّط نموده او را محکوم به قتل می‌کنند و به‌طوری که شرح آن در بالا گفته شد، او را به قتل می‌رسانند و چون با این

ص: ۲۶

وضعیت ماندن در مکّه در این محیط بدین [شکل] مورد نداشت، از رییس‌شهربانی خواستم فوراً وسائل حرکت مرا به جدّه فراهم نماید.

فردای روز مزبور به جدّه آمده با اوّلین کشتی که از جدّه حرکت کرد، به مصر آمدم و مسافرتم از حجازبه طور تعرض صورت گرفت و با شیخ یوسف یاسین، منشی مخصوص ملك و فرماندار جدّه و سایر مأمورین دولت عربی سعودی خداحافظی ننمودم.

وزیر مختار مصر به‌کلّی از این موضوع بی‌اطلاع بود و اقدامی در این باب ننموده بود، به طوری که ملاحظه می‌فرمایند روش دولت عربی سعودی راجع به این شخص، مخالف با تمام قوانین و مقرّرات انسانیّت بود، که یك نفر حاجی را به این نحو محاکمه مختصر محکوم و بدین طرز شنیع مقتول سازد.

در مرحله اول سفارت فوراً یادداشت اعتراض‌آمیزی به وزارت خارجه سعودی نوشت و چون امیرفیصل که وزیر خارجه سعودی است فعلًا در قاهره است شفاهاً هم اعتراضی به وی نمود و ضمناً به‌وسیله مصریها که حافظ منافع حجاج ایرانی بودند در این باب توضیح امر خواسته شد، البته نتیجه به عرض خواهد رسید.

به‌نظر سفارت این رفتار وحشیانه دولت سعودی از جنبه احساسات بشری هم- گذشته که حاجی بیچاره را که به‌منظور مقدسی با خانواده خود از فرسنگ‌ها مسافت به مکه آمده بود به این‌طور فجیع کشته‌اند- از لحاظ صدمه‌ای که بر حسیات (حیثیات)

ص: ۲۷

دولت شاهنشاهی ایران در مقابل سایر دول اسلامی وارد شده بی‌اندازه قابل توجه و لازم است از هر جهت موضوع مورد تعقیب قرار گیرد.

منتها تا موقعی که همه حجاج ایرانی از کشور سعودی خارج نشده‌اند اقدامات و اعتراضات سخت باید به تأخیر افتد، زیرا از دولت سعودی که چنین رفتاری را با حجاج ایرانی کرده هیچ‌گونه اقدامی برای آزار سایرین مستبعد نخواهد بود.

ضمناً این قسمت را هم باید معروض بدارد که علت اساسی وقوع این پیش‌آمدهای ناگوار این است که، با آن‌که دولت شاهنشاهی از دادن گذرنامه به حجاج خودداری دارند، مع‌هذا هر سال عده زیادی حجاج از راه‌های مختلف خود را به هر زحمتی که شده به مکه می‌رسانند و به این طریق عدم موافقت با اعزام نماینده از طرف دولت شاهنشاهی به مکه، این وضعیات را پیش می‌آورد.

در صورتی که مصریها علاوه بر این‌که سفارت در جده دارند و در موقع حج وزیر مختار و کنسول دائمی نیز در جده دارند هرساله یکی از اشخاص برجسته خود را به سمت امیرالحج به مکه می‌فرستد که از هر جهتی حفاظت حجاج تأمین گردد. (۱) قربانی

سفارت شاهنشاهی ایران در قاهره

---

۱- شماره سند: ۷۷، ح، ۱۶۴.

ص: ۲۸

## اطلاعیه دولت سعودی

به‌دنبال این حادثه دلخراش، دولت سعودی در توجیه این جنایت، اطلاعیه‌ای تحت عنوان «جنایت بزرگ» صادر کرده، آن را در روزنامه امّ‌القری مورّخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۳ (۲۵/ ۹/ ۱۳۲۲) منتشر ساخت. ترجمه متن این اطلاعیه چنین است:

«روز ۱۲ ذی‌حجّه ۱۳۶۲ (ه. ق.) مأمورین شهربانی در بیت اللَّه الحرام، شخصی را به نام ابوطالب فرزند حسین، ایرانی، از منتسبین به شیعه ایران را دستگیر نمودند در حالی که مشغول ارتکاب پست‌ترین و پلیدترین جنایات بود و مقداری از قاذورات را برداشته، به منظور آزار واذیت به طواف‌کنندگان و توهین به این مکان مقدّس در اطراف کعبه مشرّفه می‌ریخت، پس از بازجویی در این باب و ثبوت صدور این جرم قبیح از او، حکم شرعی دایر به قتل او صادر و روز شنبه ۱۴ ذی‌حجّه ۱۳۶۲ به قتل رسید.»

## تکذیب اطلاعیه

سفارت ایران در قاهره فوراً یادداشت اعتراض آمیز و شدید اللحنی به وزارت خارجه سعودی نوشته و به وسیله مصری‌ها که حافظ منافع ایران بودند، از آنان توضیح می‌خواهد و با توجّه به اینکه امیرفیصل وزیر خارجه وقت سعودی از مصر دیدار می‌کرده، به صورت شفاهی نیز اعتراض خود را به وی منتقل می‌نمایند.

ص: ۲۹

## متن اعتراضیه سفارت ایران

ترجمه متن یادداشت اعتراض‌آمیز سفارت ایران در مصر، خطاب به وزارت امور خارجه عربستان سعودی که در تاریخ ۳۰/ ۹/ ۱۳۲۲ مخابره گردیده است به این شرح است:

سفارت شاهنشاهی ایران به وزارت خارجه عربستان سعودی در مکه مکرمه اشعار می‌دارد:

بنابر اطلاع این سفارت یکی از حجاج ایرانی از اهالی یزد که به اتفاق همسرش برای مراسم حج به حجاز آمده است، هنگامی که دور کعبه معظّمه طواف می‌کرده است، بر اثر خستگی و گرما و بیماری به‌طور ناگهانی دچار استفراغ می‌گردد و به جرم وهن به بیت‌اللّه الحرام، که خداوند آن را مکانی امن برای مردم قرار داده، مورد ضرب و شتم و سپس به اتهام آلوده کردن حرم مطهر بعد از محاکمه‌ای کوتاه و با شهادت افراد غیرمسؤول، به اشدّ مجازات که گردن زدن وی در ملاء عام باشد، محکوم می‌گردد.

سفارت شاهنشاهی ایران شدیداً نسبت به این کار غیرقانونی و مخالف شرع و انسانیت که حق یکی از حجاج ایرانی و اتباع دولت مسلمان و دوست، که با هزاران آرزو خواستار انجام فریضه حج و زیارت کعبه را دارند به مورد اجرا گذاشته شده اعتراض کرده و در انتظار دریافت جزئیات خبر و پاسخ وزارت خارجه می‌باشد. این

ص: ۳۰

سفارت تمامی حقوق دولت ایران نسبت به این حادثه تأسف‌انگیز را محفوظ می‌دارد. (۱)

## پیشنهاد نخست‌وزیر مصر

در تعقیب گزارش قبلی، محمود جم سفیر کبیر ایران در قاهره در تاریخ ۷/ ۱۲/ ۱۳۲۲ نامه‌ای به شماره ۷۷/ ح/ ۲۰۱ به وزارت خارجه در تهران مخابره می‌کند متن نامه به این شرح است:

در تعقیب گزارش شماره ۷۷/ ح/ ۲۰۰-/ ۱۶/ ۱۱/ ۱۳۲۲ راجع به قتل ابوطالب یزدی در مکه معظمه، هنوز جوابی از طرف دولت عربی سعودی نرسیده است، امروز آقای صلاح الدین بیک معاون وزارت امور خارجه مصر، از طرف آقای نحاس پاشا نخست وزیر، سفارت آمده اظهار داشت: آقای نخست وزیر از ادامه مذاکره قضیه ابوطالب یزدی متأسف و عقیده دارند که این موضوع هر چه زودتر حل بشود.

به‌نظر ایشان این طور رسیده، برای اینکه در آتیه حجاج ایرانی در زحمت‌نباشند، خوب‌است اعلامیه‌ای از طرف‌دولت‌ایران‌و مصر و عربی سعودی در این زمینه تهیه کرده در یک روز منتشر گردد.

پس از مرور مختصر، جواب دادم از احساسات جناب آقای نخست‌وزیر متشکرم، ولی خاتمه این عمل منوط به این است که اقدامی از طرف دولت سعودی در جلب رضایت خاطر دولت

---

۱- شماره سند: ۷۵، ح، ۱۶۲.

ص: ۳۱

شاهنشاهی بشود، تا ما مطمئن باشیم که در آینده اتباع ایران که برای ادای فریضه مذهبی به مکه معظمه مشرّف می‌شوند در امان بوده و امنیت خواهند داشت آن‌وقت می‌شود در سایر قسمت‌ها مذاکره نمود و از نظریات خیرخواهانه جناب نخست وزیر استفاده کرد.

جواب داد: مثلاً چه اقدامی از طرف دولت سعودی بشود خوب است؟

جواب دادم مثلا دولت سعودی رسما از واقعه‌ای که پیش آمده اظهار تاسف نموده و متعهد بشود که در آینده اتباع ایران در موقع حج امنیت کامل خواهند داشت و جبرانی هم نسبت به بازماندگان مقتول بنمایند و اضافه کردم این عقیده شخصی من است تا نظر دولت من چه باشد!

جواب داد قطع دارم با عقاید و اخلاق مخصوصی که سعودی‌ها دارند هرگز به چنین اقدامی راضی نخواهند شد! اظهار داشت وضعیت وزارت امور خارجه مصر هم در این امر مشکل است، باید در این باب هر دو طرف فکر کرده، فورمولی برای ختم قضیه پیدا نمایند. من هم جواب دادم پیشنهاد جناب آقای نخست وزیر را برای مطالعه به‌وزارت امور خارجه تهران خواهم فرستاد، خواهش کرد استدعا شود زودتر نظری از وزارت امور خارجه داده شود شاید این مشکل حل بشود.

اینک با ارسال صورت پیشنهاد جناب آقای نحاس پاشا که در حقیقت راجع به قتل، هیچ حرفی نزده و زمینه برای تکلیف حجاج

ص: ۳۲

در آینده است برای استحضار وزارت امور خارجه ارسال میگردد.

متمنی است از نظریه دولت این سفارت را زودتر مستحضر فرمایند. سفیر کبیر

ص: ۳۳

## پاسخ تند دولت سعودی به نامه اعتراضیّه

وزارت خارجه سعودی مستقر در مکّه مکرّمه در تاریخ سوّم محرم الحرام ۱۳۶۳ ه. ق. در نامه‌ای بسیار تند و وقیحانه، به توجیه این عمل غیر شرعی و انسانی پرداخته، نه تنها از کرده خویش پشیمان نشده، بلکه اتّهام واهی ملوّث نمودن کعبه و مسجدالحرام را [صریحاً] به ایرانیان نسبت می‌دهد. متن این نامه چنین است:

«تتشرّف وزارة الخارجیّة العربیّة السعودیّة بإبلاغ المفوّضیة الإمبراطوریّة الإیرانیّة أسفها الشدید لتلقّیها مذکّرة المفوّضیّة رقم ۷۵، ح ۱۶۲، تاریخ ۳۰/ ۹/ ۱۳۲۲ الموافق ۲۲/ ۱۲/ ۱۹۴۳، فإنّ المفوّضیّة الإیرانیة رتّبت شکل الجرم الذی ارتکبه أحد الحجّاج الإیرانیین حسب ما أرادت واعتبرت ذلک مخالفاً للشرع والإنسانیّة والقانون ولو استفسرت المفوّضیّة الإیرانیّة عن الأمر وعرفت حقیقته لم یکن منها هذا التسرّع فی إرسال هذه المذکّرة.

إنّ الحکومة العربیّة السعودیّة لیس لها أیّ غایة أو غرض فی معاقبة أیّ إنسان من غیر حدوث جرم بیّن منه، فکیف یتصوّر العقل أن تقدم علی إنفاذ حکم فی أحد الحجّاج بدون أن تکون هناک دلائل قاطعة بشأنه. إنّ مثل هذا لم یقع ولن یقع من حکومة تعمل بشرع‌اللّه وتنشر لواء الأمن والعدل والسلام بین جمیع من یستظلّون بظلّ حکمها أو یفدون إلی بلادها المقدّسة.

إنّ الحکومة العربیّة السعودیّة قد قامت فی هذا العام أکثر من أیّ

ص: ۳۴

عام آخر بمعاونـة الحجّاج الإيرانيّين معاونة كانت فوق الطاقة وأضـرت بتموين البلاد الداخلى وذلك لما أقدم الحجّاج الإيرانيّون على ركوب سيّارات لم تكن صالحة لنقلهم من خارج المملكة ثمّ لمّا دخلوا إلى داخل المملكة وضاق الوقت عليهم وتعطّلت سيّاراتهم فى الصحراء فالحكومـة العربيّـة السعوديّة أوقفت سيّارات تموينها فى الـداخل وحوّلت تلك السيّارات لنقل الحجّاج الإيرانيّين وأنقذت حياتهم من الموت المحقّق، فالحكومـة التى تعمل مثل هـذا العمل لا يمكن أن يُوَجّه إليها تهمـة إنفاذ حكم مخالف للشـرع والإنسانيّة لأنّ هذا يستحيل أن يقع فى بلادها.

لقـد كان بيت‌اللّه الحرام قبل وصول بعض الحجّاج الإيرانيّين إلى مكّة طاهراً ومصوناً من كلّ ما يجب صـيانته منه، إلى أن وصل بعض الحجّاج الإيرانيين إلى مكّة ودخلوا بيت‌اللّه الحرام فأخذ المسـلمون فى بيت‌اللّه الحرام مع خدم الحرم يشاهدون أقذاراً قذرة فى أنحاء الحرم حول مقـام إبراهيم وفى المطـاف وكـلّ حجّاج المسـلمين ينسـبون ذلك إلى الإيرانيين وكانت الحكومـة أصـدرت أمراً بمراقبة الحرم مراقبـةً شديـدةً فـألقى القبض أثنـاء ذلـك على الشـخص المـذكور فى مـذكّرة المفوضـيّة الإيرانيّـة متلبساً بالجريمـة وهو يحمل القاذورات من بيوت الخلاء داخل إحرامه ويلقيها فى المطاف حول بيت‌اللّه الحرام الذى يقدّسه مئات الملايين من المسلمين. فبعد أن ثبت للحكومـة هـذه الجريمـة بالدلائل الشـرعيّه وبإقرار من الشـخص المذكور لم يكن لديها بدّ من إنفاذ أحكام القرآن الصـريحة فى مثله،

ص: ۳۵

فقد قال تعالی: ... وَمَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِیم (۱)

فعذاب الدنیا قتله وعذاب الآخرة لمثله عنداللّه فی جهنّم بنصّ کتاباللّه وأیّ جریمة أشنع وأنکر من رجل یخرج من بیته ویقطع الفیافی والقفار لینجّس بیت اللّه الحرام بهذه الأقذار التی أمراللّه بتطهیر البیت منها ومن کلّ کفر وشرک، حیث قال تعالی:

وَطَهِّرْ بَیْتِی لِلطَّائِفِینَ وَالْقَائِمِینَ وَالرُّکَّعِ السُّجُودِ (۲)

علی أنّ الإیرانیّین قد اتّخذوا لهم فی بیتاللّه الحرام فی هذا العام خطّة تخرج بهم عن جماعة المسلمین حتّی اذا وحدوا فی الحرم و اقیمت الصلاة امتنعوا عن الصلاة مع جماعة المسلمین وکان موقفهم فی بیتاللّه الحرام مریباً للغایة ممّا أوجب سخط المسلمین عامّة علیهم. ولولا التیقظ الشدید الذی قامت به الحکومة داخل الحرم وخارجه لصیانة الحجّاج الإیرانیین لوقع علیهم من المسلمین إهانات عظیمة واعتداءات شدیدة تخلّ بالأمن والطمأنینة بالنظر للهیاج الذی وقع لدی کافّة المسلمین من أعمالهم المنکرة فی بیتاللّه الحرام. وهنا نلفت نظر الحکومة الإیرانیّة إلی ما قامت به حکومتنا دلالة علی حسن نیّتها وبُعد نظرها بأنّها قد لفتت نظر الحکومة الإیرانیّة بواسطة مفوضیّتها ببغداد، بتاریخ ۴ شعبان ۱۳۶۱، حیث أبلغتها لزوم الإهتمام بالسیّارات التی سیقدم بها حجّاجها وأنّ الحکومة العربیّة السعودیّة لا تعدّ نفسها مسؤولة إذا وقعت أخطار

---

۱- حج: ۲۵.

۲- حج: ۲۶.

ص: ۳۶

لحجّاجها بسبب ذلك، إذ لا يمكنها معونتهم ومع هذا فقد أهملت الحكومة الإيرانيّة ذلك وحصل ما ذكر أعلاه من إنقاذ رعاياها من الموت الزوام كما أنّه لفت نظر الوزير الإيرانى ببغداد على لزوم التنبيه الشديد على الحجاج الإيرانيين بأن لا يأتوا بما يخالف الشرع الشريف فى بيت‌اللّه الحرام حتّى لا يكونوا عرضة لسخط المسلمين ويحصل ما لا تحمد عقباه.

والمفوّضيّة الإيرانيّة ببغداد قد شكرت مفوّض الحكومة العربيّة السعوديّة على هذه التبليغات ووعدت بالقيام بما يلزم ومع الأسف الشديد فإنّ الأمر وقع على خلاف ما وعدت به والحوادث التى جاءت قد أيّدت ماكان متوقّعاً كما أنّ كلّ منصف يمكنه أن يحكم على أىّ جهة تقع المسؤولية والتقصير ومع هذا كلّه فإنّ الحكومة العربيّة السعوديّة عملت كلّ ما يمكنها لمساعدة الحجّاج الإيرانيين وصيانتهم والمحافظة عليهم ولولااللّه ثمّ ما اتّخذته الحكومة من احتياطات لقتل كثير من الحجّاج الإيرانيين بسبب سلوكهم الشائن فى بيت‌اللّه الحرام.

وقد جعل الإسلام لولى الأمر النظر فى الجرائم المخالفة لكتاب‌اللّه لاتّخاذ الجزاء الرادع، حيث قال: إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ‌اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنفَوْا مِنْ الْأَرْضِ ... (۱)

وأىّ

---

۱- مائده: ۳۳.

ص: ۳۷

فساد أعظم من تـدنيس بيت‌اللَّه الحرام بهـذه الخبائث المنكرهٔ. ولـذلك لا ترى الحكومـهٔ العربيّـهٔ السعوديّهٔ محلًا لاحتجاج المفوّضيّهٔ الإيرانيّهٔ لأنّه لم يطبّق على المجرم إلّاحكم‌اللَّه طبقاً لما جاء في كتاب‌اللَّه...

## ترجمه متن نامه

وزارت امور خارجه کشور عربی سعودی مفتخراً به آگهی سفارت شاهنشاهی ایران می‌رسانـد که با کمال تأسف یادداشت شماره ۷۵/ ح/ ۱۶۲ مورخه ۳۰/ ۹/ ۱۳۲۲ مطابق ۲۲/ ۱۲/ ۱۹۴۳ سفارت را دریافت نمود.

سفارت ایران، صورت جرمی را که یکی از حجاج ایرانی مرتکب شـده، به‌نحوی که خواسته تصویر نموده و آن را مخالف شرع و قانون و انسانیت تشخیص داده است و اگر سفارت ایران راجع به این امر بازجویی می‌نمود و به‌حقیقت آن پی می‌برد در ارسال این یادداشت تسریع نمی‌نمود!

دولت عربی سعودی که هیچ شخصی را بدون جرم واضحی از او مجازات نمی‌کند، چگونه مورد قبول عقل خواهد بود که بدون وجود دلایل قطعی، نسبت به یکی از حجاج حکمی را اجرا کنـد؟ از دولتی که مطابق شرع الهی رفتار می‌کنـد و امنیت و عدل و آرامش را بر تمام اتباع دولت و مسافرینی که به این کشور مقدس می‌آیند

ص: ۳۸

گسترده، چنین امری واقع نشده است و نخواهد شد.

دولت عربی سعودی امسال بیش از هر سال به حجاج ایرانی کمک نمود، این کمک که مافوق طاقت ما بود، درنتیجه آمدن حجاج ایرانی با چنین اتومبیل‌هایی که برای حمل و نقل آن‌ها از خارج به این کشور مناسب نبود، سبب شد که به توزیع خواربار داخلی کشور صدمه وارد آید، چه پس از ورود آن‌ها به این کشور و خرابی اتومبیل‌ها در صحرا و تنگی وقت دولت عربی سعودی، اتومبیل‌های حمل و نقل مواد خواربار داخلی خود را، به حمل و نقل حجاج ایرانی اختصاص داد و آن‌ها را از مرگ حتمی نجات داد. دولتی که چنین عملی بنماید ممکن نیست تهمت صدور حکمی مخالف با شرع و انسانیت به او نسبت داده شود! چه وقوع چنین امری در این کشور امکان ندارد!!

بیت‌اللّه الحرام پیش از ورود حجاج ایرانی به مکه طاهر بود، از هر امری که صیانت از آن ضرورت داشت، ولی پس از ورود بعضی از حجاج ایرانی به مکه و ورود آنان به بیت‌اللّه الحرام، مسلمانان و مستخدمین حرم ملاحظه نمودند که در اطراف حرم و در پیرامون مقام ابراهیم و در محل طواف حجاج قاذوراتی دیده می‌شود و تمام حجاج مسلمان این عمل را به ایرانیان نسبت می‌دهند!

دولت دستور داد که حرم را تحت مراقبت دقیق قرار دهند، این بود که شخص مذکور در یادداشت سفارت ایران را، در حال اقدام به جنایت دستگیر نمودند، در حالی‌که قاذورات مستراح‌ها را در دامن احرام خود برداشته و در محل طواف دور خانه خدا

ص: ۳۹

می‌ریخت، که صدها میلیون مسلمان آن را مقدس می‌شمارند!!

پس از این‌که وقوع این جنایت با دلایل شرعی و اقرار شخص نامبرده ثابت گردید، چاره‌ای جز اجرای احکام صریح قرآن در این مورد که می‌فرماید وَ مَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذابٍ أَلِیمٍ (۱)

نبود.

عذاب دنیا قتل است و عذاب آخرت مطابق نص کتاب خدا عذاب جهنم است، چه جرم و جنایتی از این شنیع‌تر و منکرتر که شخصی از خانه خود بیرون آمده، دشت و بیابان را بپیماید، به‌منظور این‌که خانه خدا را به نجاست آلوده و ملوّث کند!! و حال آن‌که به تطهیر این خانه از نجاست و کفر و شرک امر فرموده، چه می‌فرماید:

وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ. (۲)

از این گذشته ایرانیان امسال در خانه خدا رویه‌ای اتخاذ نموده بودند که آنان را از جماعت مسلمین خارج می‌نماید، چه در موقع نماز جماعت اگر عده‌ای از آن‌ها در داخل حرم بودند، از ادای نماز با جماعت مسلمین خودداری می‌کردند و رفتار آن‌ها در خانه خدا بی‌نهایت موجب سوء ظن بود و اسباب بدبینی تمام مسلمین نسبت به آن‌ها شد و اگر بیداری فوق‌العاده دولت عربی سعودی نبود و اگر

---

۱- سوره حج آیه ۲۵، یعنی: «کسی که در خانه خدا اراده و نیت الحاد و ظلم نماید، او را به عذاب الیم گرفتار خواهیم کرد»

۲- سوره حج آیه ۲۶، یعنی: «خانه مرا برای طواف‌کنندگان و نمازگزاران و کسانی که به رکوع و سجود می‌پردازند تطهیر کن»

ص: ۴۰

اقدامات دقیقی برای حفظ حیات حجاج ایرانی در داخل و خارج حرم به‌عمل نمی‌آمد، نظر به هیجان عامه مسلمین نسبت به اعمال منکر و ناروای آن‌ها در خانه خدا، اهانت‌های عظیم و تعدّی‌های شدید نسبت به آن‌ها می‌شد، به حدی که به امنیت و آرامش کشور خلل وارد می‌آمد!!

در این‌جا لازم می‌داند نظر دولت ایران را به این نکته متوجه سازد که دولت، برای اثبات حسن نیت و دوراندیشی خود به‌وسیله سفارت ایران در بغداد، به تاریخ چهارم شعبان ۱۳۶۱ [ق] نظر دولت ایران را متوجه این امر نمود و لزوم توجه و اهتمام به اتومبیل‌های حجاج را گوشزد نموده، گفت که اگر خطرهایی برای حجاج پیش بیاید، دولت عربی سعودی خود را مسؤول نمی‌داند، زیرا که کمک به آن‌ها از حیّز اقتدار آن خارج است، ولی با تمام این‌ها دولت ایران به این موضوع اهمیتی نداد و درنتیجه دولت عربی سعودی اتباع ایران را از مرگ نجات داد.

همچنین نظر وزیر مختار ایران در بغداد را به این نکته متوجه ساختیم که به حجاج ایرانی اکیداً قدغن نمایند که برخلاف اوامر شرع شریف، در خانه خدا کاری نکنند که در معرض تعرض و انزجار مسلمین واقع شوند و اتفاق ناگواری برای آن‌ها رخ دهد.

در آن موقع سفارت ایران در بغداد از سفارت عربی سعودی از این تذکر سپاس‌گزاری نموده، وعده داد که اقدامات لازمه در این

ص: ۴۱

باب خواهد نمود، ولی متأسفانه برخلاف آن‌چه سفارت وعده داده بود واقع شد و اتفاقات پیش‌بینی ما را تأیید کرد و هر شخص منصفی می‌تواند حکم کند که مسؤولیت و تقصیر از کدام‌یک از طرفین بوده است.

با وجود این، دولت عربی سعودی از بذل آن‌چه برای مساعدت به حجاج ایرانی و حمایت و حفاظت آن‌ها لازم بود فروگذار ننمود و اگر تفضل خداوندی و اقدامات احتیاطکارانه دولت عربی سعودی نبود، عده زیادی از حجاج ایرانی در نتیجه رفتار خجالت‌آوری که در خانه خدا می‌کنند به قتل می‌رسیدند.

دین اسلام به ولیّ امر حق داده که در جرم‌های مخالف کتاب خدا، کیفر مناسبی را اجرا نماید که موجب امتناع دیگران از ارتکاب چنین جرمی گردد، چه در قرآن می‌فرماید:

إِنَّما جَزاءُ الَّذِينَ يُحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ. (۱)

چه فسادی از این بزرگ‌تر که خانه خدا را ملوّث کنند؟

---

۱- مائده، ۳۳- ترجمه: یعنی: «کیفر کسانی که با خدا و پیغمبر جنگ می‌کنند و در زمین موجب فساد می‌گردند آن است که آنان را بکشند یا به دار آویزند یا دست و پای آنان را ببرند و یا آنان را تبعید نمایند»

ص: ۴۲

لـذا دولت عربی سـعودی موردی برای اعتراض سـفارت ایران نمی‌بینـد، زیرا که نسـبت به مجرم جز به فرمان خـدا و مطابق کتاب او حکمی اجرا نگردیده است. (۱) جوابیه سفارت ایران

سفارت شاهنشاهی ایران در پاسخ به نامه تند و غیر منطقی و خلاف واقع وزارت خارجه دولت سعودی، جوابیه وزارت خارجه ایران را دریافت و برای وزارت خارجه سعودی ارسال می‌دارد، متن نامه به شرح ذیل است:

سفارت کبرای شاهنشاهی

سفارت شاهنشاهی ایران در پاسخ یادداشت شـماره ۲۰/ ۱/ ۴ وزارت امور خارجه عربی سـعودی مورخه ۳ محرم الحرام سال ۱۳۶۳ هجری مطابق ۲۹ دسامبر سال ۱۹۴۳ میلادی، احتراماً به آگاهی آن وزارتخانه می‌رساند:

«دولت ایران صدور عمل منتسب به طالب نام ایرانی را به دلائل زیر جرم و قابل مؤاخذه نمی‌داند، چه علاوه بر اینکه حجّاج ایرانی و عراقی شـهادت داده‌انـد که در اثر کسـالت و گرمی هـوا هنگـام طـواف کعبه، حـالت تهوّع به نـامبرده دست داده و برای اینکه محل طواف آلوده نشود در دامن خود استفراغ نموده و می‌خواسته است

---

۱- شماره سند ۱۷۰ و تاریخ ارسال آن ۳ محرم‌الحرام ۱۳۶۳ ه ق. است

ص: ۴۳

آن را به خارج ببرد. اصولًا این ادّعا، ادعای باطلی است و هیچ ذی‌شعوری نمی‌تواند باور کند که کسی که به شوق ادای فریضه دینی با تحمّل خسارت و رنج چنین سفری به بیت‌اللّه مشرّف می‌شود قصد او ملوّث نمودن خانه کعبه باشد!

بسیار موجب تأسف است که یک دولت اسلامی اینقدر از رسوم بین المللی و قواعد دینی بی‌خبر باشد و صرفاً به استناد اظهارات نا حقّ عدّه‌ای از جهّال متعصّب که در فروعات دینی با مسلمین شیعه اختلاف نظر دارند، بدون دقّت لازم و تحقیق در مقام اعدام بی‌گناهی برآیند که بر طبق کلام الهی: وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً، (۱)

در خانه خدا که پناهگاه و جای ایمن مردم است، بایستی از هرگونه تعرّض و تجاوز مصون باشد.

به خصوص که شخص مقتول به زبان محل آشنا نبوده و نماینده دولتی هم که امسال حافظ منافع اتباع ایران بوده، از جریان محاکمه مختصر که معلوم نیست روی چه موازین قانونی قرار گرفته و محکومیت او به کلی بی‌اطلاع مانده است!!

جای هیچگونه تردید نیست عملی که از طالب نام ایرانی دیده شده، فقط در اثر کسالت و کاملًا اضطراری بوده و با این حال معلوم نیست چگونه دولت سعودی که در یادداشت خود کراراً به آیات قرآنی استناد می‌جوید، در این مورد بر خلاف کلام الهی: وَلَا عَلَی

---

۱- آل‌عمران: ۹۷.

ص: ۴۴

الْمَرِيضِ حَرَجٌ (۱)

و نصّ نبوی: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتی تِسْعَةٌ ... وَما يضْطرُّونَ إِلَيهِ» (۲)

، رفتار نموده و تبعه یک دولت اسلامیِ دوست خود را در موقعی که میهمان و در پناه او بوده‌است، دست بسته گردن زده و به حال همسر بیچاره او ابداً رحم و شفقتی ننموده است.

عجب‌تر آنکه وزارت امور خارجه سعودی برای پرده‌پوشی این امر فجیع، استدلال به آیاتی از قرآن کریم نموده و آیه شریفه:

... وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۳)

و ... إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... (۴)

، را مدرک و مجوّز این عمل قرار داده در حالتی که در هیچیک از تفاسیر معتبره، اشعاری به آن نیست که عمل ناشی از شخص مقتول، منطبق با مدلول این دو آیه باشد.

مطلب دیگر یادداشتِ دولت سعودی که موجب تعجّب گردیده و سوء نیّت مأمورین وابسته را مسلّم می‌دارد، این اظهار آنها است که قبل از ورود بعضی از حجاج ایرانی، بیت اللَّه تمیز و مصون از هر امر ناشایسته‌ای بوده و پس از ورود عده‌ای از حجاج ایرانی به مکه، مسلمین در خانه خدا، مستخدمین حرم قاذوراتی در اطراف حرم مشاهده نمودند!

---

۱- فتح: ۱۷.

۲- وسایل ج ۱۵/ ۳۶۹.

۳- حج: ۲۵.

۴- مائده: ۳۳.

ص: ۴۵

نظر به تجلیل و تقدیسی که هر انسانی نسبت به این قبیل اماکن مقدسه دارد، صدور چنین جنایتی حتی از غیر مسلمین نیز عقلًا مستبعد است، چه رسد که این تهمت منسوب به یک ملت اسلامی است که در خدمت به دین حنیف اسلام، سابقه درخشان و مقام شامخی دارد و از متمسک‌ترین ملل اسلامی به کتاب خدا می‌باشد که در آن می‌فرماید: وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ (۱)

و به افراد آن ملّت نسبت داده شده است که روزی پنج بار مانند سایر مسلمین رو به کعبه مطهره نماز بگذارند.

انتشار خبر اذیّت و آزار حجّاج ایرانی و کشتن یک نفر بی‌گناه، در ملّت ایران انزجار و تنفّر شدیدی تولید نموده وافکار عمومی را شدیداً به هیجان درآورده و تأثیر بسیار ناگواری بخشیده است.

سفارت شاهنشاهی ایران، اتّهامات مذکوره در یادداشت دولت عربی سعودی را جدّاً تکذیب می‌نماید و نسبت به قتل طالب نام ایرانی و تجاوزات مأمورین دولت سعودی و اهانتی که به ایرانیان شده، بر اعتراض شدید خود باقی است و یادداشت دولت سعودی را به هیچ‌وجه قابل قبول نمی‌داند و تا وقتی که جان و حیثیّت ایرانیان در خاک دولت عربی سعودی محفوظ نباشد و استرضای خاطر دولت ایران و جبران این رفتار که در مناسبات بین‌الملل اسمی برای آن نمی‌توان پیدا کرد به عمل نیاید، دولت ایران خود را مجبور

---

۱- حج/ ۲۶.

ص: ۴۶

خواهد دید در ادامه مناسبات با دولت عربی سعودی تجدید نظر نماید. (۱) وزیر امور خارجه

---

۱- شماره سند: ۷۷، ح، ۱۸۶ و تاریخ آن ۱۲/ ۱۱/ ۱۳۲۲ است.

ص: ۴۷

## توجیه افکار عمومی

در همین رابطه سفارت ایران در مصر، متن دیگری نیز به شرح ذیل تهیّه و آن را برای جراید و خبرگزاری‌ها ارسال می‌کند:
ترجمه ابلاغیّه‌ای که از طرف سفارت به جراید و خبرگزاری‌ها فرستاده شده است:
«دولت ایران تهمت منسوب به طالب نام ایرانی را رد نموده و عمل صادره از او (یعنی استفراغ نمودن در اثر کسالت) را جرم و قابل مؤاخذه نمی‌داند. چه، علاوه بر اینکه عدّه زیادی از حجّاج

ص: ۴۸

ایرانی و عراقی و دیگران شهادت دادند که در نتیجه مرض و گرمی هوا حالت استفراغ به نامبرده دست داده و برای جلوگیری از آلوده شدن محلّ طواف، در احرامِ خود استفراغ نموده بود، هیچ ذی شعوری نمی‌تواند باور کند، کسی که برای ادای فریضه و زیارت خانه خدا تحمّل این همه خسارت و رنج را نموده، قصدش ملوّث نمودن کعبه مطهّره باشد!

بسیار موجب تأسّف است که دولت سعودی صرفاً به استناد اظهارات نا حقّ عدّه‌ای از جهّال متعصّب، بدون دقّت لازم در مقام اعدام بی‌گناهی از اتباع یک دولت مسلمانِ دوست خود، که میهمان و در پناه خدا بوده برآید، به خصوص که شخص مقتول به زبان محلّ آشنا نبوده و نماینده دولت مصر هم که حافظ منافع اتباع ایران بوده بکلّی از جریان محاکمه بی‌اطلاع مانده بود.

مطلب دیگری که موجب تعجّب شده و سوء نیّت مأمورین وابسته دولت سعودی را مسلّم می‌دارد، اظهار آنهاست که بعد از ورود بعضی از حجّاج ایرانی قاذوراتی در حرم مکّه مشاهده شد!

نظر به تجلیل و حسّ احترامی که تمام افراد بشر نسبت به این اماکن مقدّسه دارند، نسبتِ چنین جنایتی حتّی به غیر مسلمین نیز عقلًا قابل قبول نیست، چه رسد که این تهمت منسوب به یک ملّت اسلامی است که در خدمت به دین اسلام سابقه درخشان و مقام شامخی دارد و افراد آن بیش از هر ملّت اسلامی، به کتاب خدا متمسّک بوده ومجری احکام آن می‌باشند.

ص: ۴۹

انتشـار خبر آزار ایرانیـان و کشـتن یکی از آنهـا بـدون گناه و اهانت‌های وارده به آنها، در ملّت ایران انزجار شدیـدی تولیـد و افکار عمومی را به شدّت به هیجان آورده است.

دولت ایران بـا تکـذیب قطعی تهمت هـای وارده در یـادداشت دولت عربی سـعودی، بر اعتراض شدیـد خود باقی است و یادداشـت دولت عربی سعودی را به هیچ‌وجه قابل قبول نمی‌داند. و تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خاک دولت سعودی محفوظ نباشد و استرضای خاطر دولت ایران به عمل نیاید، دولت ایران مجبور است در ادامه مناسبات خود با دولت عربی سعودی تجدید نظر نماید.

به علاـوه، سـفارت ایران در قـاهره راجع به اظهـاراتی که مقامات سـعودی در شـماره روزنامه پروکره اژیپسـین، مورّخه ۵/ ۲/ ۱۹۴۴ نموده بودند، توضیحاً اضافه می کند:

۱- جریـان محاکمه مختصـر که به اقرار خود سـعودی‌ها بیش از دو روز طول نکشـیده، معلوم نیست روی چه موازین قانونی صورت گرفته است؟ زیرا که متّهم به زبـان محل آشـنا نبوده و حتّی نماینـده دولت مصـر هم که حافظ منافع اتباع ایران بوده، از آن بی‌اطلاع مانـده بود!! چه، به‌طوری که همه می‌داننـد محاکمـات جزایی در کشورهـای متمـدّن دنیا علنی است و تا جریانات معیّنی را نپیمایـد، یک چنین حکم سختی نسبت به هیچ متّهمی اجرا نمی‌شود.

۲- اینکه اظهار شده است اگر فوری حکم اجرا نمی‌شد، منجر به انقلاب و خون‌ریزی زیاد می‌شد! قضیه کاملًا به عکس

ص: ۵۰

است؛ زیرا که انقلابی که در شرف وقوع بوده، در نتیجه عصبانیّت شدید حجّاج ایرانی و سایر حجّاج شیعه نسبت به عمل بی‌رویه عمّال دولت عربی سعودی بوده، به علاوه قتل یک نفر بی گناه به عنوان اینکه از خون‌ریزی بیشتری جلوگیری می‌نماید، مجوز قانونی ندارد. به‌خصوص که وسیله دفاع به نامبرده داده نشده است و این رفتار به‌طور روشن نشان می‌دهد که احساسات تعصّب‌آمیز جاهلانه تا چه درجه برافکار عمّال حکومت سعودی، که این حکم را اجرا نموده‌اند، حکمفرما است.

## پاسخ دولت سعودی

وزارت خارجه عربی سعودی در تاریخ ۱۵ ربیع الأوّل ۱۳۶۳ ه. ق. مطابق با ۹ مارس ۱۹۴۴ م در پاسخ به نامه سفارت ایران در مصر، نامه‌ای به شرح ذیل ارسال می کند:

«وزارت خارجه عربی سعودی وصول یادداشت شماره ۷۷/ ح/ ۱۸۶ مورّخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۲۲ هجری شمسی، مطابق با ۲/ ۳/ ۱۹۴۴ م راجع به عبده طالب (ابوطالب) حسن (۱) ایرانی را مفتخراً به آگهی سفارت شاهنشاهی ایران رسانیده، علاقمند است علاوه بر توضیحاتی که در یادداشت سابق داده، حقایق مذکور در زیر را نیز از نظر سفارت شاهنشاهی بگذراند:

---

۱- در سند اصلی حسن آمده که صحیح آن حسین است.

ص: ۵۱

۱- وزارت خارجه عربیِ سعودی، حقیقت جرم صادره از مجرمِ نامبرده را قبلًا توضیح داده است و این امر به شهادت شهود و اقرار خود مجرم به‌طور قطع و یقین ثابت گردیده است!

۲- این اتّفاق اسف‌انگیز، پیش‌آمد سرّی و محرمانه‌ای نبوده است و عدّه زیادی از حجّاج، از آن آگهی یافتند و نزدیک بود بین حجّاج ایرانی و سایر حجّاج فتنه‌هایی برپا شود ولی اقدامات دولت عربی سعودی و بیداری آن در حفظ حیات حجّاج، از وقوع این فتنه‌ها جلوگیری نمود.

۳- دولت شاهنشاهی ایران با در نظر گرفتن روابط دوستانه موجود بین دو کشور، مخصوصاً زحمات امسال دولت عربی سعودی، برای نجات حجّاج ایرانی از مرگ حتمی و قطعی، در صحراها و بیابان ها و همچنین در نظر گرفتن معاملات سوء حکومت‌های سابق با حجّاج ایرانی و مقایسه آن با رفتار حکومت فعلی نسبت به آنها و توجّه به اینکه اجرای حکم نسبت به مجرم صورت نگرفته، مگر پس از ثبوت قطعی جرم نسبت به او و این که مجازات مزبور مطابق حکم شرع و مقرّرات کشور و قوانین شرعیه آن بوده است، خواهد دانست که از طرف دولت عربی سعودی اقدامی به عمل نیامده است که منظور از آن خدشه رساندن به روابط دوستانه دو کشور، یا لطمه وارد آوردن به حیثیّت ملّت ایران باشد، حکم صادره مطابق شرع و مقرّرات کشور و روی اصول معامله متقابل بوده است و اگر یک نفر سعودی در ایران برخلاف قوانین و

ص: ۵۲

مقررات کشور اقدامی نمود و مطابق احکام قوانین محلّی محکوم گردید، دولت عربی سعودی حقّ اعتراض را بدان نخواهد داشت.

(۱) پایینِ نامه، دارای مهر وزارت خارجه عربی سعودی است.

## تهدید به قطع رابطه

سفارت ایران پیرو یادداشت شماره ۷۷/ ح/ ۱۸۶ خود مورّخ ۱۶/ ۱۱/ ۱۳۲۲ ه. ش. مطابق ۲/ ۲/ ۱۹۴۴ م راجع به قتل ابوطالب نام، از حجّاج ایرانی در مکّه مکرّمه، بنا به دستور واصله از وزارت خارجه وقت، طی نامه‌ای خطاب به وزارت خارجه سعودی رسماً اعلام می‌دارد:

چنانچه تا تاریخ ۶ فروردین سال ۱۳۲۳ ه. ش. مطابق ۲۶ مارس ۱۹۴۴ میلادی از طرف دولت عربی سعودی، توضیح لازم و تأکید کافی راجع به تأمین حیات حجّاج ایرانی در خاک عربی سعودی و عدم تکرار نظیر این قضیه به دولت شاهنشاهی نرسد، دولت شاهنشاهی راجع به این امر اتّخاذ تصمیم مقتضی، مبادرت خواهد نمود.

## پاسخ سرد سعودی‌ها

وزارت خارجه سعودی در پاسخ به این نامه چنین نوشت:

سفارت عربی سعودی با تقدیم درودهای شایان، به سفارت

---

۱- تاریخ ارسال نامه ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۶۳ و شماره آن ۲۰، ۱، ۶۹ است.

ص: ۵۳

کبرای شاهنشاهی ایران، مفتخراً به آگاهی آن سفارت کبری می‌رساند که وزارت خارجه عربی سعودی، راجع به ابوطالب فرزند حسین پاسخ خود را داده است و به جز توضیحاتی که قبلًا طی یادداشت خود مورخ ۱۵ ربیع‌الأوّل ۱۳۶۳ شماره ۲۰/ ۱/ ۶۹ داده است، راجع به این موضوع اظهار تازه‌ای ندارد!

سفارت عربی سعودی این فرصت را مغتنم شمرده درودهای شایان و احترامات فائقه خود را تقدیم سفارت کبرای شاهنشاهی ایران می‌نماید.

محلّ مهر سفارت عربی سعودی

## نامه آقای سید باقر کاظمی

لازم به تذکّر است آقای سیّدباقر کاظمی در تاریخ ۱۶/ ۱۱/ ۱۳۲۲ ه. ش. به شماره ۴۷۲۹ تلگرافی به وزارت خارجه زده و در آن چنین نوشته بود:

مشاهدات خود را در حجاز به اطلاع سفارت کبرای قاهره رسانیدم و گزارش ۳۰ آذر شماره ۱۶۴ تقدیم شد، چون این حرکت وحشیانه موجب تحقیر شدید ایرانیان و شیعه‌ها و غلیان تعصّبات جاهلانه بر ضدّ آنها گردیده، به عقیده بنده واجب است دولت ایران اقدامات ذیل را به عمل آورد:

اولًا: یک ماه بعد که کلیّه ایرانیان مراجعت می‌نمایند، روابط سیاسی و اقتصادی خود را با کشور سعودی قطع کند و به وسائل

ص: ۵۴

مختلف، علّت آن را به اطلاع دنیا و خاصّه ممالك اسلامی برساند.

ثانیاً: مادامی که وضعیّت فعلی در حجاز باقی است، مسافرت حجّاج را منع و از عبور قاچاق جدّاً در تمام سرحدّات جلوگیری و از علما و مراجع تقلید نیز فتاوی در این باب صادر و منتشر کنید.

ثالثاً: به وسیله رادیو و جراید ایران و ممالك عربی و طبع رساله‌های مخصوص، حقایق را منتشر و رفع اتهامات نسبت به ایرانیان و شیعه‌ها را بنمایید. [سیّدباقر] کاظمی

## چند پرسش

محمد علی همایون جاه معاون کل وزارت امور خارجه وقت، در پی پیگیری‌های قبلی آن وزارت خانه در نامه محرمانه شماره ۱۳۳۶ مورخ ۱۱/ ۱۱/ ۲۳ نامه‌ای خطاب به سفارت ایران در قاهره به این شرح ارسال می‌دارد:

سفارت کبرای شاهنشاهی

وزارت امور خارجه مایل است بطور تفصیل بداند که ابوطالب یزدی که یکی دو روز بعد از عید اضحی بسال ۱۳۶۲ هجری قمری مطابق با آذر ۱۳۲۲، به‌دست عمّال عربی سعودی در مکه به‌قتل رسیده است، به چه جرمی متهم و به چه طریق جرم او به ثبوت رسیده است؟ و این معنی بر حسب شهادت شهود بوده و یا بر حسب‌اقرار واعتراف شخص متهم ویا به‌هر دو وسیله؟ و در صورت اول شهود چند نفر بوده و تابعیت کدام دولت را داشته، و مقیمین

ص: ۵۵

حجاز بوده و یا زائرین آن سال بوده‌اند و شهادت چه بوده است؟

یعنی آیا شهادت داده‌اند که ابوطالب دامان خود را از قازورات پر نموده و از خارج با خود آورده است و یا آن‌که در همان‌جا در دامان خود قسیان نموده و دامان خود را به‌قصد اهانت از دست داده است؟ و در صورت دوم یعنی اقرار و اعتراف، این معنی به چه طریق صورت گرفته و ابوطالب که آشنا به زبان عربی نبوده چگونه اقرار نموده است که قازورات را از خارج با خود به آن مقام متبرك آورده و یا در همان‌جا در دامان خود قسیان عمدی نموده و دامان را نیز رها نموده است؟ و منظورش از این عمل صرفا ملوّث نمودن و بالاخره اهانت وارد آوردن به آن مقام شریف بوده است؟ و بالاخره حکم به محکومیت از محاضر شرعی صادر گردیده است و یا از محاکم عرف و بر طبق موازین شرعی بوده و یا طبق مقررات قانونی و در هر صورت موازین شرعی یا مقررات قانونی؟ که حکم بر روی آن صادر گردیده چه بوده است؟

و نیز وزارت امور خارجه مایل است از ترتیب قضاوت در مملکت عربی سعودی آگاه گردد.

بنابراین خواهشمند است مراتب بالا را، یا توسط وزارت خارجه مصر که حافظ منافع اتباع ایران در سال ۱۳۲۲ در کشور عربی سعودی بوده و یا هر مقام دیگری که مقتضی و صلاح دانند تحقیق و گزارش فرمائید. معاون کل وزارت امور خارجه

محمد علی همایون جاه

ص: ۵۶

ص: ۵۷

## پاسخ سفیر

سفیر ایران در مصر در پاسخ به این نامه در گزارش شماره ۷۷/ ح/ ۲۶۰ مورخ ۲۲/ ۴/ ۲۳ جوابی به این شرح به تهران ارسال می‌نماید:

وزارت امور خارجه

پاسخ نامه محرمانه شماره ۱۳۳۶ مورّخ ۱۱/ ۴/ ۲۳ راجع به توضیحاتی که درباره کیفیت جرم منتسبه به ابوطالب یزدی و محاکمه وی خواسته‌اند اشعار می‌دارد:

اغلب این توضیحات در گزارشات سابق این سفارت و راپورت جناب آقای کاظمی و یادداشت‌های جوابی وزارت امور خارجه سعودی مندرج و توضیح داده شده است مراجعه مجدد به نماینده دولت سعودی و وزارت امور خارجه مصر هم تصور می‌رود مفید فایده نبوده، بلکه ممکن است مضر هم واقع شود. چه اولًا:

مأمورین سعودی از ابتدای امر توضیحاتی که داده‌اند، تمام به یک مضمون و عبارت از این است که متهم طبق اصول و قواعد معموله در کشور حجاز محاکمه و محکوم گردیده و همانطور که دولت سعودی در نظیر این مورد طبق مقررات بین المللی نمی‌توانست نسبت به محاکمه یک نفر از اتباع کشور سعودی در محاکم ایران اعتراض نماید، اعتراض دولت شاهنشاهی هم نسبت به

ص: ۵۸

این موضوع وارد نیست.

ضمن یادداشت مفصلی هم که رونوشت آن ضمن گزارش شماره ۷۷/ ح/ ۱۷۱ مورّخه ۱۵/ ۱۰/ ۲ به وزارت امور خارجه ارسال شده، دولت سعودی جریان قضیه را ذکر و سعی کرده است با استناد به آیات قرآن و احکام الهی جرم منتسبه را محقّق و حد آنرا واجب جلوه دهد.

ثانیا: بعضی از این سئوالات از قبیل تعیین ملیت شهود و نحوه شهادت و مضمون اقرار و اینکه به چه زبان محاکمه و اقرار به عمل آمده، ممکن است برخورنده و موهن تلقی شده و این طور تصور شود که دولت شاهنشاهی مخصوصا مایل است عدم اطمینان و اعتقاد خود را نسبت به مقامات قضائی دولت سعودی ابراز دارد و به این جهت بعد از انقضاء قریب یک سال از وقوع قضیه و تعاطی مکاتبات و یادداشت‌هائی، از نو شروع به تحقیقات و خواستن توضیحات نموده‌اند!

اما وزارت امور خارجه مصر به طوری که در گزارشات قبلی این سفارت به‌عرض رسیده، از ابتدای امر طرفدار حکومت سعودی بوده و مایل بودند دولت در این موضوع سختی نکرده و موافقت نماید، دولت مصر میانجی واقع و قضیه را بطور دوستانه حل نماید، چنانکه استحضار دارند حفظ منافع ایران در حجاز سال گذشته به‌دولت مصر واگذار شده بود، پس از وقوع قضیه ابوطالب ضمن ملاقات اینجانب با آقای نحاس پاشا که شرح آن در گزارش شماره

ص: ۵۹

۷۷/ ح/ ۱۸۵ مورّخه ۱۲/ ۱۱/ ۱۳۲۲ به عرض رسیده است، اینان قسمتی از گزارش نماینده خود را برای اینجانب خواندند، مشار الیه در گزارش خود دولت سعودی را ذی‌حق و ابوطالب را مضر تشخیص داده بود، بنابراین مسلّم است از مراجعه به‌وزارت امور خارجه مصر هم نتیجه حاصل نخواهد شد و اگر جوابی بدهند قطعا در حدود همان توضیحاتی است که دولت سعودی در یادداشت خود ذکر کرده است.

اما اطّلاعاتی که از خارج و به‌وسیله استعلام از اهل اطلاع توانسته است به دست آورد، و از آن‌جمله آقای محمد صادق مجدّدی وزیر مختار افغانستان در مصر است که متجاوز از چهارده سال است در مصر ماموریت دارند و در این مدت یازده مرتبه در موقع حج به‌حجاز سفر نموده‌اند، تمام مؤید مضامینی است که در گزارشات قبلی سفارت شرح داده شده اجمالا به‌قراری است که درذیل نگارش می‌شود:

۱-/ شهودی که در قضیه ابوطالب شهادت داده‌اند بیشتر از حجاج مصری و عرب بوده‌اند.

۲-/ بعضی‌ها مسئله حمل قاذورات را که به ابوطالب نسبت داده شده این طور توجیه می‌نمایند که مشارالیه در نتیجه کسالت، در خانه کعبه [مسجدالحرام] مبتلا به استفراغ و در دامن احرام خود استفراغ می‌کند که زمین کعبه [مسجدالحرام] ملوّث نشود، چند نفر حاجی که او را به‌این وضعیت و حمل چیزی در جامه احرام می‌بینند، تصور

ص: ۶۰

حمل کثافت نموده او را کتک می‌زنند نظر به کسالت و مستعد نبودن مزاج ابوطالب که شاید مبتلا به کلرین بوده و کتک و فشار حالت اسهالی وی را تشدید و اضطراراً زمین کعبه [مسجدالحرام] را ملوّث می‌نماید.

۳-/ در خاک سعودی محاکم عرفی وجود ندارد و محکمه عبارت از یک قاضی است که طبق احکام شرع حکم می‌دهد و ریاست تمام قضات کشور با قاضی القضاهٔ است، البته در موقع حج هر سال که عده زیادی از اطراف و کشورهای دیگر به مکه می‌آیند، قضات به‌طور فوق‌العاده معین می‌شوند که امور مطروحه را با قید فوریت حل و قطع نمایند.

۴-/ به طوریکه در یادداشت وزارت امور خارجه سعودی تصریح شده، ابوطالب به‌حکم قاضی و طبق حدود الهی و آیات قرآن که مورد استناد قرار داده‌اند محکوم و مقتول شده است.

۵-/ راجع به‌اینکه اقرار ابوطالب که مورد استفاده قرار داده‌اند به‌زبان فارسی بوده است یا عربی، تصور می‌رود تهیه جواب این سئوال برای مامورین سعودی اشکالی نداشته باشد، البته در موقع حج اشخاصی که زبان فارسی بدانند در بین حجاج و مطوّفین پیدا می‌شوند و همانطور که زیارت‌نامه خوان‌های عتبات اغلب زبان فارسی را می‌دانند اکثر مطوّفین حجاج ایرانی هم زبان فارسی را فرا گرفته‌اند تا قواعد و مراسم حج را به‌آنها نشان دهند.

ص: ۶۱

بعلاوه اینجانب ضمن ملاقات با نماینده سعودی در قاهره مخصوصاً این نکته را سئوال نمود، و مشارٌالیه جواب داد، علاوه بر مطوّفین حجاج ایرانی مترجمین رسمی هم که مامور دولت هستند دارند.

۶-/ راجع به طور محاکمه و قضاوت در کشور سعودی، آقای مجددی وزیر مختار افغانستان دو حکایت نقل نمودند که برای نشان دادن وضع حکومت در این کشور قابل توجه است، یکی این‌که در چند سال قبل یک‌نفر افغانی را در مکه به‌جرم این‌که می‌خواسته است حجر الاسود را سرقت نماید گرفتار و مقتول می‌نمایند،

دیگر این‌که در سنوات اخیر حاکم مدینه به آقای مجدّدی برای اظهار حسن خدمت می‌گوید:

چندی قبل یک نفر افغانی نزدیک مدینه دچار سارق و ده روپیه نقد با جامه احرام او را می‌برند، مامورین حکومت سارق را در محل وقوع سرقت پیدا نمی‌کنند، افغانی می‌گوید اگر او را ببینم می‌شناسم، به‌علاوه در موقع حمله، من با ناخن بینی او را زخمی نموده‌ام، بعد از چند روز افغانی سارق را دیده او رانزد حاکم می‌آورند و ارتکاب سرقت را انکار می‌نماید. حاکم می‌پرسد: این زخمی که روی بینی تو است چگونه پیدا شده؟

می‌گوید: در موقع شکستن چوب، تراشه هیزم اصابت نموده، حاکم که به تقصیر وی یقین حاصل و از این بی‌پروائی او در دروغ‌سازی متغیر می‌شود، در همان مجلس و در خانه خویش

ص: ۶۲

شخصاً شمشیر خود را کشیده گردن سارق را می‌زند.

البته از یک ملتی که اکثر آنها عبارت از اعراب بدوی خانه به دوش هستند، انتظار دیگری هم نباید داشت ولی از طرفی هم مسلّم است که تمام این سختی‌ها و خشونت‌ها، سد راه مسلمانان ثابت العقیده نشده و همانطور که در گذشته که این تسهیلات و وسائل نقلیه نبود، رفتن به خانه خدا و برگشتن قریب یک‌سال طول می‌کشید و در راه انواع مصائب را تحمل و در صحرای حجاز نیز عده زیادی در اثر گرما و وبا و غیره تلف می‌شدند و مع هذا عشق و علاقه مسلمانان از زیارت بیت الله کم نمی‌شد و بلکه بنابر «افضل الاعمال أحمزها» (۱)

تمام این سختی‌ها را برای قبول شدن زیارت و رسیدن به اجر جزیل با آغوش باز، حسن استقبال می‌نمودند، اکنون هم بی رحمی مامورین ابن سعود و گرفتن مبالغ زیادی از حجاج و اشکالات دیگر، از توجه مسلمانان به بیت الله نکاسته و ممنوع نمودن هم تأثیری نخواهد داشت. باری چون موقع حج نزدیک است مقتضی است دولت شاهنشاهی تصمیم قطعی عاجلی در این باب اتخاذ فرمایند که اشکالات دیگری در موقع حج پیش نیاید.

سفیر کبیر

---

۱- بحار، ج ۶۷، ص ۲۹۸ «از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله».

ص: ۶۳

ص: ۶۴

ص: ۶۵

## پیشینه این اتّهام ناروا

روش معاویه و خلفا و حاکمان پس از او، این بوده که از طرح فضایل و مناقب علی بن ابی‌طالب علیه السلام و ائمّه معصومین علیهم السلام و نیز تبیین عقاید شیعه جلوگیری می‌کردند، لیکن از گسترش و توسعه عقاید باطل و انحرافی، نه تنها نگران نبودند، بلکه گاهی نیز آنها را مورد حمایت قرار می‌دادند. همین مسأله، رفته رفته موجب شد تا عموم مردم نسبت به شیعیان و اعتقادات آنان و نیز فضایل و

ص: ۶۶

ویژگی‌های اهل‌بیت عصمت و طهارت بی‌خبر بمانند و مع‌الأسف تا به امروز نیز این شیوه ادامه یافته است، هم اکنون در عربستان اتّهام‌هایی به شیعیان و مکتب اهل‌بیت وارد می‌کنند که هرگز واقعیّت نداشته، و کذب محض است، در حالی که رفع شبهه کاری بسیار ساده و کاملًا عملی است.

چند سال پیش، در موسم حج، دیداری از رابطهٔ العالم‌الاسلامی داشتم. بخش‌های فقه و قرآن را بازدید نموده، با مسؤولان این دو بخش، به گفتگو نشستم، یکی از آنان پس از آن که فهمید من شیعه هستم، شبهه دیرینه و ناروای تحریف قرآن را مطرح کرد و گفت:

قرآن ایرانیان تحریف شده و با قرآن اهل سنّت تفاوت دارد!

به او گفتم: از شما که به صورت ظاهر فردی تحصیل‌کرده و عالم هستید، به شدّت تعجّب می‌کنم. پرسید: چطور؟ گفتم جهان امروز، جهان ارتباطات است، در تمامی دوران سال، از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، صدای دلنشین قرائت قرآن پخش می‌شود و همه ساله میلیونها جلد قرآن در ایران به چاپ می‌رسد و آزادانه به فروش می‌رسد و با اینکه چند میلیون اهل‌سنّت در ایران سکونت دارند و به لحاظ مذهبی نیز تعدادی از آنان با شما رابطه داشته و حتّی در دانشکده‌های شما تحصیل می‌کنند، پس چرا تا کنون یک جلد از این قرآن‌های تحریف شده! و یا نوار قرآن‌های تحریف شده را تهیّه نکرده‌اید تا به عنوان نمونه، به دیدار کنندگان،

ص: ۶۷

به عنوان مدرک و دلیل نشان دهید؟

از پاسخ درماند و ما نیز بازگشتیم.

آلوده ساختن مسجد توسّط شیعیان نیز اتّهامی همچون اتهام تحریف قرآن است. در زمینه حرمت و احترام مساجد، خصوصاً مسجدالحرام و مسجدالنبی، کافی است مراجعه‌ای به کتب فقهیِ شیعه داشته تا دریابند که تمامی فقهای شیعه در طول تاریخ فتوا داده‌اند که اگر گوشه‌ای از مسجد نجس شد، تطهیر آن واجبِ فوری است، تا چه رسد به مسجدالحرام؟!

پس چرا و چگونه، این اتّهام توسّط برخی مقامات رسمی کشورها در آن زمان مورد قبول واقع شده است؟ چگونه است که یک ایرانی شیعه با هزاران رنج و زحمت و با هزینه کردن مبالغ بسیار و به جان خریدن خطرهای مالی و جانی فراوان؛ به‌خصوص در گذشته که گاهی حج نزدیک به یک‌سال طول می‌کشید و چه بسیار از حاجیان در میان راه یا در مکّه و مدینه جان باخته و هرگز به کشور خود باز نمی‌گشتند، این همه زحمت و رنج را تحمّل نموده، به مکّه و مسجدالحرام برود و نعوذ باللّه کعبه و مسجد را آلوده و ملوّث کند؟ آیا هیچ عقل سلیمی چنین اتّهامی را می‌پذیرد؟!

## ملاقات با محمد صلاح‌الدین

محمود جم سفیر ایران در نامه مورّخ ۱۲/ ۱۱/ ۱۳۲۲ ه. ش.

خود، مطابق با ۲/ ۲/ ۱۹۴۴ م نوشته است:

ص: ۶۸

محمّد صلاح‌الدین معاون وزارت امورخارجه را ملاقات کردم، وی گفت: به قراری که سفارت مصر از جدّه گزارش داده است، گویا سیزده نفر متّهم به ملوّث کردن خانه کعبه و حجرالأسود بوده‌اند! و گفته شده این اشخاص بر این باورند که اگر حجرالأسود و خانه کعبه ملوّث شود، درهای بهشت به روی آنها باز می‌گردد!

وی پاسخ می‌دهد: این اظهارات کذب محض و دروغ فضاحت‌آمیز است و روی احساسات ضدّ ایرانی و ناشی از تعصّب جاهلانه است. چه، هیچ عقل سلیمی باور نمی‌کند که یک نفر ایرانی چندین هزارکیلومتر راه را پیموده و همه‌گونه مشقّت کشیده و با تحمّل مصارف زیاد، خانه کعبه را ملوّث نماید؟!

## افشاگری مهم یک حاجی مصری

برای اینکه عمق این فاجعه و جنایت، بهتر روشن شود، به نامه یکی از اهالی فیوم مصر به نام حاج علی عباس ماوردی، که خود سال ها در حجاز به شغل تجارت مشغول بوده و آن را خطاب به سفیر ایران در قاهره نوشته است توجّه کنید:

جناب آقای سفیر کبیر!

در حالی که این عریضه را به حضور جناب عالی معروض می‌دارم، به جای اشک خون می‌گریم و دلم از این تهمت باطل، که در حق این شهید مظلوم گفته شده، و ما را در مقابل هزارها حاجی، کافر و فاجر قلمداد کرده و شرافت دین اسلام و شرافت ملّی و

ص: ۶۹

اخلاقی و ادبی را از ما سلب نموده و ما را در نظر آنها پست‌تر و پلیدتر از نجس‌های هندوستان کرده، می‌سوزد و کباب می گردد! اینجانب که فعلًا در فیوم مشغول خرازی فروشی و عطرفروشی هستم، پیش از جنگ ۱۹۱۴، شش سال تمام بین مکّه و مدینه مشغول تجارت و خرید و فروش بودم و در این موقع که شریف حسین، سلطان حجاز بود غالب تجارت بنده با ایران بود و از اوضاع حجاز کاملًا مطّلع هستم، لذا نظر جناب عالی را به این نکته متوجّه می‌سازم که این تهمتِ باطل، مکرر نسبت به ایرانیان زده شده و تمام اهل حجاز از خوب و بد و بزرگ و کوچک از آن آگاهی دارند و بدان معترف هستند و می‌دانند که عدّه‌ای از حجازیان جلف و پست، که نسبت به ایرانیان که آنها را رافضی می‌دانند، دشمنی دارند، عدس پخته را مدّتی در آفتاب می گذارند تا بُترشد و گندیده شود، سپس آن را مانند گوشت کنسرو، در روده گاو و گوسفند می گذارند و در موقع طواف و مخصوصاً در موقع بوسیدن حجرالأسود، از پشت سرِایرانیِ مظلوم آمده، لباس او را با عدس گندیده ملوّث می کنند و فریاد بر می‌آورند که ایرانی کعبه را ملوّث می کند! در صورتی که حاجی بیچاره کاملًا از موضوع بی‌اطلاع و کاملًا بی گناه و بری از این جنایت می‌باشد.

حکومت آن وقت هم از موضوع آگاهی داشت ولی بدان اهمّیت نمی‌داد، مطوّفین حجاج ایرانی و سایر حجّاج شیعه؛ یعنی «سیّدحسین سحره» و «سیّد عباس سحره» و «سیّد حسین سحره» که

ص: ۷۰

در جدّه و مکّه خانه دارند و از دیر زمانی مطوّفین ایرانیان بوده‌اند و هستند، از این موضوع آگاهی دارند و می‌دانند که از اجلاف حجازی‌ها کراراً چنین کاری شده است.

جناب آقای سفیرکبیر!

آیا این قبیل کارها پایان ندارد؟ آیا دوباره به دوره شوم بنی‌امیّه بازگشته‌ایم؟ آیا خون این بیچاره بی‌گناه و خون ما جعفری‌ها، از این به بعد باید به هدر برود و شرف این طایفه به این اتهاماتِ باطل باید لکّه‌دار بماند؟!

خداوندا! به حال ما رحمت آر و انتقام ما را چنان از ظالمین بستان که طاقت آن را نیاورند ...

## تأیید توطئه

گزارش حاجی مصری، توسط آقای عصامی تاریخ نویس عرب در کتاب تاریخ مکه سباعی چاپ عربستان تائید گردیده و در آن کتاب اینچنین نقل شده است:

«در شوّال سال ۱۰۸۸ میلادی، در حالی مردم روز را آغاز کردند که کعبه به چیزی شبیه نجاست آلوده شده بود، و به لحاظ ذهنیّت قبلی که معلوم نیست عقل آنان چگونه آن را پذیرفته بود، به سراغ برخی از شیعیان آمده، آنها را به چنین عمل زشت و ناپسندی متّهم نمودند، سپس آتش جهل و عصبیّت ترک‌های مجاور

ص: ۷۱

مکّه و برخی حجّاج شعله‌ور گردیده، به شیعیان حمله‌ور شدند و با سنگ و شمشیر تعدادی را کشتند.

آقای دحلان به نقل از عصامی- تاریخ‌نویس عرب- می‌نویسد:

آقای عصامی در کتاب تاریخ خود نوشته که من با چشم خود آنچه را که کعبه به آن آلوده شده بود دیدم، آنها سبزیجاتی مخلوط شده با عدس و روغن‌های متعفّن بود که بوی بسیار بدی پیدا کرده بود. (۱)

این نظر دقیقاً گفته آن زائر فیومی مصری را تأیید نموده، پرده از این توطئه بزرگ برمی‌دارد؛ به خصوص اینکه آقای عصامی خود آنچه را دیده، گزارش کرده است.

آقای سباعی سپس می‌افزاید:

«آنچه تأسّف مرا افزون می‌کند این است که تا به امروز برخی چنین تصوّری نسبت به شیعه دارند که بر اساس یک باور دینی تا کعبه را ملوّث نکنند حجّ آنان پذیرفته نیست!»

آنگاه به نکته جالبی اشاره می‌کند تا پرده غفلت را از عقل‌ها بردارد، او می‌نویسد:

«اگر عقل را به حَکَمیت بپذیریم به نادرستیِ این نظریه

---

۱- تاریخ مکّه سباعی، ص ۳۸۴.

ص: ۷۲

پی‌می‌بریم؛ زیرا همه ساله در موسم حجّ هزاران شیعه کنار خانه خدا می‌آیند و اگر چنین عقیده‌ای صحیح باشد، لازم است بارها و بارها کعبه آلوده گردد و حال آنکه چنین چیزی رخ نداده است، ولی چه کنیم که وقتی در برابر مخالفان خود قرار می‌گیریم، عقل را به دست فراموشی سپرده آن را کنار می‌گذاریم! (۱)

## بخشنامه مهمّ وزارت امور خارجه

در پیگیری حادثه، وزارت امور خارجه بخشنامه‌ای صادر و ضمیمه نامه شماره ۴۵۵۴ مورّخ ۴/ ۱۱/ ۲۲ خود به سفارت ایران در قاهره ارسال می‌دارد که متن بخشنامه چنین است:

وزارت امور خارجه

بخشنامه

پیرو بخشنامه تلگرافی شماره ۷۳۴ در خصوص تعدّیات مامورین دولت سعودی نسبت به حجاج ایرانی و قتل طالب نام ایرانی به‌اتهام بی‌احترامی به خانه کعبه اشعار می‌دارد:

چنانچه اطلاع داده شد، سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره به‌موقع خود یادداشتی به‌وزارت امور خارجه سعودی ارسال و در

---

۱- تاریخ مکه سباعی، ص ۳۸۴؛ العصامی، ج ۴، ص ۵۲۹، مطبعه سلفیه مصر؛ خلاصهٔالکلام، ص ۹۷.

ص: ۷۳

آن شدیداً به‌طرز رفتار مامورین دولت سعودی اعتراض نموده است. وزارت امور خارجه سعودی در پاسخ، ضمن یادداشت مفصلی که به سفارت قاهره فرستاده است ادعا نموده است که حاجی ایرانی قصد ملوّث کردن کعبه را داشته و جرم به دلایل شرعیه و اقرار متهم ثابت شده است.

وزارت امور خارجه پس از اطلاع از جریان امر، به‌وسیله‌سفارت کبرای قاهره جواب داده که دولت شاهنشاهی، این یادداشت را به هیچ وجه قابل قبول نمی‌داند و نسبتی را که به حاجی ایرانی داده‌اند و در نزد هیچ بشر ذی‌شعوری معقول و پسندیده نیست، جداً تکذیب می‌نماید و تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خانه دولت عربی سعودی محفوظ نباشد و استرضای دولت و جبران این رفتار که در مناسبات بین المللی اسمی برای آن نمی‌توان پیدا کرد به عمل نیاید، دولت ایران خود را مجبور خواهد دید در ادامه مناسبات خود با دولت سعودی تجدید نظر نماید.

به‌وسیله اداره تبلیغات در اینجا نیز اعلامیه [ای] در جراید منتشر شد، انتشار این خبر تأثیر بسیار سوئی در محافل و افکار عامه بخشید و مقالات شدیدی بر علیه این رفتار و اهانتی که مامورین سعودی به‌ایرانیان نموده‌اند در جراید درج گردیده، که خلاصه آنها به ضمیمه رونوشت اعلامیه اداره تبلیغات و جواب یادداشت ارسالی

ص: ۷۴

وزارت امور خارجه دولت سعودی برای اطلاع فرستاده می‌شود.

دولت شاهنشاهی تصمیم گرفته است تا این وضعیت ادامه دارد از خروج حجاج ایرانی ممانعت نماید.

از علما و روحانیون تهران نیز خواسته شده است، به وسیله وعاظ و اهل منبر مردم را نصیحت و توصیه نمایند تا ترتیبی برای تأمین جان آنها داده نشده از رفتن به‌حج خودداری نمایند.

نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی هم که در تهران حاضر هستند جلسه‌ای در مجلس تشکیل داده نطق‌های شدید و مؤثری ایراد نموده و از این رفتار عمال سعودی اظهار تنفر و انزجار کردند.

آقای آیةاللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی تلگرافی به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مخابره نموده که رونوشت آن نیز با رونوشت پاسخی که صادر گردیده تِلْواً فرستاده می‌شود.

از شهرستانها نیز تلگرافات مبنی بر اظهار تنفر و انزجار از این عمل مامورین دولت سعودی به‌وزارت امور خارجه واصل گردیده است.

ص: ۷۵

ص: ۷۶

## اطلاعیه وزارت امور خارجه

همچنین جهت روشن شدن افکار عمومی؛ وزارت امور خارجه اعلامیه‌ای به این شرح صادر می‌کند:

وزارت امور خارجه

اعلامیه وزارت امور خارجه

با اینکه دولت امسال به‌واسطه اشکال مسافرت و نبودن وسایل حمل کافی و مطمئن، از دادن اجازه مسافرت به‌حج خودداری نموده و به مامورین شاهنشاهی در خارجه نیز دستور لازم در این زمینه داده شده بود، معهذا مطابق گزارش‌هائی که از سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره و سفارت بغداد رسیده، عده کثیری در حدود شش هزار نفر به‌قصد حج از ایران خارج شده‌اند که عده‌ای از آنها به‌طور قاچاق از بنادر جنوبی ایران و از راه کویت به‌حجاز رفته و عده دیگر که به‌عنوان زیارت عتبات رفته بوده‌اند از آنجا از طریق نجف به‌حجاز مسافرت کرده‌اند،

از این شش‌هزار تقریبا چهار هزار نفر توانسته‌اند با هزار سختی و بدبختی و صدمات فوق الطاقه خود را به‌حجاز برسانند، با این‌حال عده‌ای از آنها مثل سال گذشته نتوانسته‌اند به‌موقع خود را به‌مکه برسانند و از درک حج محروم گردیده‌اند.

علاوه بر صدمات و خسارات و سختی‌هائی که از حیث نبودن وسایط نقلیه و اجحاف و تعدّیات صاحبان وسایط نقلیه و

ص: ۷۷

حمله‌دارها به‌حجاج ایرانی رسیده، امسال اتفاقات بسیار ناگوار دیگری هم در موقع اجرای مناسک حج روی داد و از جمله عده‌ای از آنان را توقیف کرده‌اند که پس از اقداماتی که به‌عمل آمده آزاد گردیده‌اند و حتی یکی از حاجی‌های ایرانی به تهمت ملوّث کردن خانه کعبه محکوم و بین صفا و مروه کَت‌بسته حاضر و پس از خواندن حکمی با شمشیر سر او را بریده‌اند.

به طوری که حجاج ایرانی و عراقی در مراجعت از مکه نقل نموده‌اند شرح واقعه از این قرار بوده است:

یک نفر جوان ۲۲ ساله یزدی که با عیال خود به‌حج مشرّف شده بوده در موقع طواف کعبه مورد تعرّض عدّه‌ای واقع و به او ایراد کرده‌اند که کثافات و فضولات همراه داشته و می‌خواسته است عمداً خانه کعبه را ملوّث نماید و لهذا جوان را نزد حاکم (آمر بمعروف) که در موقع حج از طرف دولت سعودی حضور دارد برده و چهار نفر بر علیه او شهادت داده، سپس بین صفا و مروه در حضور جمع بسیار کثیری از حجاج، با شمشیر سر او را از بدن جدا کرده‌اند در صورتی که طبق اظهار حجاج ایرانی این جوان ابداً قصد اسائه ادبی نداشته و بلکه در موقع طواف به‌واسطه گرمی هوا و کسالت، حالت استفراغ به او دست داده و مخصوصاً برای اینکه زمین کعبه را ملوّث ننماید در جامه احرام خود استفراغ کرده وقصد داشته است آن را به‌خارج ببرد که در این اثناء گرفتار حجاج غیر ایرانی و دچار این بلیّه شده است.

ص: ۷۸

پس از انتشار این خبر حجاج ایرانی مورد تعدّی و تجاوزاتی واقع و زد و خوردهائی هم در چندین نقطه بین طرفین روی داده است، مطابق اطلاعی هم که از بغداد رسیده انتشار این خبر در عراق و تعدّیاتی که در سال جاری نسبت به حجاج ایرانی شده، در بین ایرانیان مقیمین عتبات نیز احساسات تنفر آمیز بوجود آورده و وعاظ در منابر، مظالم مامورین دولت سعودی را به‌اطلاع عامه رسانیده‌اند و حتی آماده شده‌اند که هیئتی را از طرف خود تعیین و خدمت حضرت آقای آیهٔ‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی فرستاده و تقاضا نمایند، مادامی که دولت سعودی رویه خود را تغییر نداده واین اقدام بی‌قاعده را جبران ننمایند حج را برای ایرانیان و شیعیان تحریم نمایند.

از طرف سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره نسبت به این حرکت وحشیانه مامورین دولت ابن سعود در نزد آن‌دولت اعتراض سخت به‌عمل آمده است.

وزارت امور خارجه پس از اطلاع از مطلب، با تصویب دولت، دستور مجدد تلگرافی به‌سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره صادر نموده، که علاوه بر اعتراض شدید نسبت به‌این اقدامات و رویه مامورین دولت سعودی، مخصوصاً به‌وزارت امور خارجه آن‌دولت خاطر نشان نماید که، دولت شاهنشاهی مصمّم است در صورتی که به‌فوریت، این اقدام بی‌رویه مامورین دولت سعودی جبران نگردد و برای آتیه هم ترتیبات اطمینان بخش برای تامین

ص: ۷۹

جانی ایرانیان داده نشود، از خروج زوار ایرانی ممانعت نماید.

به‌سفارت شاهنشاهی در بغداد نیز دستور داده شده، نظر دولت را به‌استحضار علما [در] عتبات و مخصوصاً حضرت آقای آسید ابوالحسن اصفهانی برساند.

ص: ۸۰

## گستردگی توطئه

حادثه‌ای چنین با اهمّیت در کنار کعبه رخ می‌دهد و قلب هر انسان مسلمانی را جریحه‌دار می‌کند، لیکن متأسفانه و با کمال تعجب، بسیاری از کشورها و دولت‌ها نه‌تنها هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه انجام ندادند، بلکه از انعکاس آن در رسانه‌ها و مطبوعات نیز جلوگیری کردند!

«ساعد» در نامه مورّخ ۲۰/ ۱۲/ ۲۲ خود می‌نویسد:

هشتم اسفند به سفارت‌های انگلیس، آمریکا، شوروی، مصر و عراق تذکاریه‌ای ارسال و با تشریح قضیه راجع به قتل ابوطالب، تقاضا شد از نظر علاقمندی آنها به حسن تفاهم بین دول و ملل، در تأیید تقاضاهای مشروع و استرضای خاطر دولت شاهنشاهی ایران اقدام نمایند

ص: ۸۱

و به سـفارت خودمان در لنـدن نیز تلگراف شـد، از دولت انگلسـتان بخواهند که به مأمورین مربوطه خود دسـتور لازم صادر نمایند. ساعد

محمود جم نیز در نامه مورّخ ۲۵/ ۱۲/ ۱۳۲۲ ه. ش. خود نوشته است:

... روزنامه‌های مصر تا کنون برحسب دستور دولت، هیچگونه اشاره‌ای به قضیّه حجّ امسال و قتل ابوطالب یزدی ننموده‌اند ...

سفیر ایران در بغداد نیز در این زمینه می‌نویسد:

پیرو گزارش محرمـانه ۲۸/ ۱۰/ ۱۳۲۲ شماره ۵۱۲، راجع به موضوع اقـدامات دولت سـعودی در اعـدام یـک نفر ایرانیِ یزدیِ شـیعه معروض می‌دارد:

حجاجی که به عراق بازگشت نموده‌انـد اظهار می‌دارنـد: امسال حفظ منافع حجاج ایرانی به نماینـده دولت مصـر محوّل گردیده بود ولی هیچگونه مساعدتی نسبت به حفظ حقوق حجّاج ایرانی به عمل نیاورده، چنان‌که حاجی ایرانی یزدی راکه مأمورین سـعودی با وضع فجیعی به قتل رسانیده‌انـد، تقریباً ۱۶ ساعت بازداشت شـده بود، در ظرف این چنـدین ساعت امکان داشت که نماینـده دولت مصـر عـواقب وخیم این عمـل را به دولت سـعودی خاطرنشـان کرده و اقـداماتی برای نجـات ایرانی مزبـور بنمایـد، ولی به هیچـوجه اقدامی در دفاع از حقوق او ننموده و ایرانی نامبرده که به زبان محلّ آشنا

ص: ۸۲

نبوده، نتوانسته است از خود مدافعه نماید و در نتیجه به اتّهام قضایای بی‌اساس، حاجی یزدی را بی‌گناه به قتل رسانیده‌اند.

در هر حال در صورت مقتضی مقرر خواهند فرمود که از دولت مصر نیز توضیحات کافیه خواسته شود تا حقیقت امر کشف گردد ...

و در نامه مورّخ ۲۸/ ۱۰/ ۱۳۲۲ سفیر ایران در عراق آمده است:

حجّاج ایرانی اظهار می‌دارند با اینکه حفظ منافع حجّاج به نماینده مصر واگذار شده بود، صرف‌نظر از اینکه نماینده دولت نامبرده هیچگونه اقداماتی در این باب به عمل نیاورده، حجاج شیعه و ایرانی مورد تعرّض مصریان واقع گشته و حتّی چهار نفر شهودی که باعث قتل تاجر شیعه ایرانی گردیده، از اهالی مصر بوده‌اند و به همین مناسبت شیعیان نسبت به مصریان فوق‌العاده خشمناك می‌باشند. وزیر مختار

۲۸/ ۱۰/ ۱۳۲۲

در نامه شماره ۷۷/ ح/ ۱۹۶ مورّخ ۱۹/ ۱۱/ ۱۳۲۲ نیز آمده است:

مصری‌ها جدّاً از انتشار هر خبری راجع به قتل ابوطالب یزدی در مکّه جلوگیری می‌کنند، حتّی مجله چهره‌نما که به فارسی و در بین ایرانیان منتشر می‌شود، نتوانست مختصری از این پیش آمد بنویسد ...

سفیر کبیر در نامه شماره ۷۷/ ح/ ۲۳۶ مورّخ ۹/ ۱/ ۱۳۲۳

ص: ۸۳

نوشته است:

تعقیب شماره ۷۷/ ح/ ۲۳۵، سفیر کبیر انگلیس به‌طور غیر رسمی و دوستانه اطلاع می‌دهد که وزارت خارجه انگلیس تلگراف کرده است که در قضیّه قتل ابوطالب یزدی حاجی ایرانی، چون موضوع مذهبی است! مأمورین انگلیسی نمی‌توانند مداخله نمایند!!

راجع به نظریات دولت و شروط ختم قضیّه می‌نویسد:

قطعاً دولت ابن سعود حاضر به معذرت خواستن نخواهد شد و اظهار تأسف می‌کند که این موضوع منجر به قطع روابط دولتین نشود ...

## عکس‌العمل مراجع و علما

شهادت مظلومانه میرزا ابوطالب یزدی، خشم و نفرت شیعیان را برانگیخت. مراجع عالیقدر شیعه، علما و روحانیون، خطبا و گویندگان مذهبی، اصناف و اقشار مختلف مردم هر کدام به شکلی انزجار خود را از این اقدام دولت حجاز اعلام داشتند. مرحوم آیهٔ‌اللَّه العظمی سیّدابوالحسن اصفهانی قدس سره تلگرافی به شاه مخابره و از وی خواستار اقدام جدّی می‌شوند. در این تلگراف چنین آمده است:

بعد از دعوات صمیمانه به عرض اعلی می‌رساند، سکوت

ص: ۸۴

ذات شاهانه از قتل دلخراش طالب نام ایرانی در حجاز، به بهانه یک تهمت بی‌اساس روا نیست، لهذا اصدار اوامر مطاعه به تعقیب قضیه و مؤاخذه مرتکبین را منتظر و تمدید عمر جهانبانی ذات ملوکانه را از حضرت باری جلّ جلاله سائل.

ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

خوانندگان محترم لازم است شرایط مخابره تلگراف را در نظر گرفته، توجّه داشته باشند که در آن زمان، شاه تازه روی کار آمده و هنوز مرتکب جنایاتی که در دوران سلطنت خود به آن دست یازید، نگردیده بود.

شاه در پاسخ، تلگرافی به این شرح مخابره کرد:

نجف اشرف- جناب مستطاب حجةالاسلام آیةاللّه اصفهانی- دامت افاضاته-

از احساساتی که در تلگراف راجع به قضیه قتل دلخراش طالب نام ایرانی ابراز داشته‌اید امتنان داریم، در این باب از طرف ما سکوت اختیار نشده است و به دولت دستور مؤکّد داده‌ایم که قضیّه را با کمال جدّیت تعقیب نمایند تا احقاق حقّ به عمل آید و منافع ایرانیان و مسلمین محفوظ بماند.

۳۰ دی ماه ۱۳۲۲

ص: ۸۵

حضرات آیات سیّدابوالحسن صدر و سیّدهبهٔالدین الحسینی نیز در نامه‌ای خطاب به وزیر مختار دولت ایران (سفیر کبیر) در بغداد چنین مرقوم فرمودند:

جناب آقای وزیر مختار محترم دولت شاهنشاهی ایران

با کمال تأسف آگاهی یافته‌ایم که [در] بلدالحرام در ماه حرام، فاجعه الیمی روی داده که قربانی آن یک نفر مسلمان ایرانی بوده که برای ادای فریضه حج قصد شهری را نموده که هر کس وارد آن شود در امان است، آیا از حقیقت حال اطلاعی دارید؟ و آیا در این حادثه مهمّ

ص: ۸۶

اقدامی به عمل آورده‌اید؟ ما در انتظار پاسخ جناب عالی هستیم.

کاظمین ۱۲ محرّم الحرام سال ۱۳۶۳ ه ق.

ابوالحسن صدر عفی‌اللَّه عنه هبۀالدین الحسینی

## فشار افکار عمومی

وزیر مختار ایران در کشور عراق که فشار روز افزون مراجع و علما و اقشار مردم را شاهـد است، گزارش محرمانه‌ای به تهران ارسال و در آن چنین نوشته است:

پیرو گزارش محرمانه ۲۰/ ۱۰/ ۱۳۲۲ شماره ۵۰۴ راجع به اقدام مأمورین سعودی در اعدام یک نفر یزدیِ شیعه ایرانی و بد رفتاری با حجّاج ایرانی معروض می‌دارد:

حجّاجی که تـدریجاً به عراق بازگشت نموده‌انـد، واقعه مزبور را در کلیّه مجامع با طرز رقّت‌آوری به اطلاع عامّه، مخصوصاً شـیعیان رسانیده و تعدّیات و اجحافات و رفتار سخت و خشن مأمورین سعودی با حجّاج شیعه به قسمی شیعه‌ها را عصبانی کرده و احساسات آنها را تحریک نموده، که افکار همگی متوجّه این قضـیه گردیـده است و مراجع تقلید را نیز در تحت فشار گذارده‌اند که در اسـرع اوقات موضوع را به طریق رضایت‌بخشی حلّ و تسویه نمایند.

از قرار معلوم آقایان مراجع تقلید هم، جدّاً قضیّه را دنبال کرده،

ص: ۸۷

کتباً و تلگرافاً مراتب را به عرض پیشگاه اعلی‌حضرت و دولت شاهنشاهی رسانیده‌انـد و نظر به این که تنها دولت شیعه و پشتیبان شیعه دولت شاهنشاهی است و حاجی هم که شهید شـده ایرانی است، انتظار و امیدواری کامل دارند که دولت شاهشاهی و شیعیان را مطابق اصول جاریه بین دول فراهم کرده و غرامت این اقدام بی‌رویه را بپردازد و دولت سعودی رسماً ندامت و پشیمانی خود را به اطلاع دنیا رسانیده و طریقی که برای حلّ قضیه اتّخاذ شده، اعلام دارد و به اضافه تأميناتی بدهد که در آتیه حجّاج شیعه در امان باشند و دیگر دست انـدازی و تعـدّی به حقوق آنها نشود و شیعیان اظهار عقیـده می‌نمایند اگر دولت سعودی بدین ترتیب حاضر برای حلّ این واقعه نشد، به دول مسلمان و دول متّحد مراجعه شود که با دولت شاهنشاهی و شیعیان تشریک مساعی بنمایند تا کار مطابق میل و دلخواه دولت شاهنشاهی و شیعیان حل و تسویه گردد و چون دولت سعودی با دولت شاهنشاهی همسایه نیست، شاید توجّه کامل به پیشنهادات دولت ایران نکنـد، ولی نظر به احتیـاج مبرمی که به کشورهـای مسلمان و دول متّحـده دارد، یقین است مجبور خواهد شد که سر تسلیم فرودآورد و حاضر شود به‌طور رضایت‌بخش موضوع را تسویه نماید.

مراجع تقلید و شیعیان همه روزه به سفارت مراجعه و نتیجه اقدامات دولت شاهنشاهی را استفسار می‌نمایند. متمنّی است بفرمایید از هر اقدامی که در این باب به عمل آمده و یا خواهند

ص: ۸۸

آورد، سفارت را در جریان بگذارند که به اطلاع آقایان مراجع تقلید برسانند که بدین وسیله تشفّی حاصل نماید و حتّی اظهار می‌دارند اگر اقداماتی هم باید از طریق مراجع تقلید و یا شیعیان بشود اعلام گردد تا به همان ترتیب رفتار و عمل نمایند.

سفیر ایران در عراق در نامه دیگری می‌نویسد:

در پیرو گزارش محرمانه ۲۸/ ۱۰/ ۱۳۲۲ شماره ۵۱۲ راجع به واقعه مکّه و اقدام دولت سعودی در اعدام یک نفر حاجی ایرانی می‌نگارد:

به‌طوری که از متنفذین شیعه شنیده می‌شود، در نظر دارند مستقیماً و به وسیله تلگرافی به دولت سعودی و به رؤسای ممالک دیگر اسلامی مخابره و از این اقدام ناشایسته مأمورین دولت نامبرده اظهار تنفّر نموده، جبران این قضیّه و تأمینات کافی برای آتیه بخواهند، در منابر هم وعاظ همواره عملیّات خصمانه دولت سعودی را نسبت به شیعیان به اطلاع عامّه می‌رسانند و حتّی شنیده می‌شود که نمایندگان شیعه مجلس شورای ملّی و مجلس سنای عراق هم در نظر دارند که در مجلسین، موضوع مزبور را مطرح نمایند. بنابراین، چنانچه مصلحت باشد به موقع خواهد بود که در نخستین جلسات مجلس شورای ملّی ایران نیز اظهاراتی در اطراف این واقعه بشود.

وزیر مختار

سفیر ایران در بغداد در بخشی از نامه شماره ۵۰۴ خود می‌نویسد:

ص: ۸۹

... از قراری که رادیوی تهران خبر داده، نسبت به این اقدام دولت سعودی جراید تهران مقالاتی نشر داده‌اند، متمنّی است مقرر فرمایند از جراید مهمّی که مقالات مزبور را درج کرده‌اند، پنجاه نسخه به سفارت ارسال دارند، که برای مراجع تقلید و اهل علم و اشخاص دیگر که در عتبات عالیات بین شیعه‌ها نفوذ دارند داده شود، که از اقدامات دولت شاهنشاهی آگاه شوند و در آتیه نیز چنانچه در این باب مطالبی در جراید انتشار یابد مرتّباً از هر یک، پنجاه نسخه به سفارت برای انجام همین منظور ارسال نمایند.
همه روزه مرتباً نتیجه اقدامات دولت شاهنشاهی را مراجع تقلید و متنفذین شیعه استعلام می‌نمایند، بی‌خبری این سفارت باعث زحمت شده و برای حیثیت و دولت شاهنشاهی خوب نیست.
متمنی است مقرّر فرمایند فوراً و تلگرافاً نتیجه اقدامات را به استحضار این سفارت برسانید. وزیر مختار

## عکس‌العمل مجلس شورای ملی

از سوی دیگر وزیر خارجه وقت نامه‌ای به سفیر ایران در مصر نوشته و در آن آورده است:
... در ۲۸ دی‌ماه ۱۳۲۲ نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملّی در تهران، مذاکرات زیادی به عمل آورده و تمام نمایندگان از این رفتار عمال دولت سعودی اظهار تنفر و انزجار نموده و نطق‌های مؤثر و شدیدی نیز ایراد

ص: ۹۰

کرده‌اند و سپس قرار بر این شد که نتیجه اقدامات دولت بعداً به اطلاع نمایندگان مجلس برسد.

علاوه بر این تلگرافاتی‌نیز تا به حال از شهرستان های بهشهر، ساری، تبریز، رفسنجان و اردکان واصل گردیده که همگی با لحن شدیدی به عملیات دولت سعودی حمله نموده و نسبت به آن اظهار تنفّر کرده‌اند و در رفسنجان و اردکان، مجلس ترحیم نیز برپا نموده‌اند.

امضاء وزیر امور خارجه

## درخواست تحریم حج

دامنه اعتراضات گسترده‌تر شده، برخی روزنامه‌های عربی درخواست تشکیل هیأتی از ملل اسلامی را برای اداره اماکن مقدّسه مطرح می کنند. در مقدّمه روزنامه «منبرالشرق» مطلبی درج می‌شود که آیا دولت ایران با دولت عربی سعودی قطع رابطه می کند؟ سپس می‌نویسد: ... به مناسبت این حادثه المانگیز تقاضا کردیم که در مکّه معظّمه برای رسیدگی به وضعیّت اماکن مقدّسه که متعلّق به تمام مسلمین است و بررسی امور حجّاج که از تمام ملل مسلمان می‌باشند، هیأتی از ملل اسلامی تشکیل گردد که بر اساس جامعه اسلامی باشد و به منظور اتّحاد و یگانگی مسلمین و برقراری روابط دوستی و برادری بین تمام مؤمنین خاور و باختر دنیا اساس این کار تهیّه شود.

ص: ۹۱

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۷/ ۱۰/ ۲۲ ضمن ارائه گزارشی پیرامون این حادثه پیشنهاد می‌دهد تا دولت ایران، مجازات مرتکبین این جنایت فجیع را از دولت سعودی خواستار و مادامی که رفتار دولت سعودی چنین باشد، آقایان علما و حجج اسلام، حج را حرام کنند.

همچنین در تاریخ ۲۸/ ۱۰/ ۲۲، نسبتِ ملوّث کردن خانه خدا را به حاجی ایرانی رد نموده و پیشنهاد تحریم حج را می‌نماید و این وحشی گری را مخالف اتّحاد عالم اسلام و احکام قرآن می‌داند و جبران موضوع را از دولت خواستار گردیده است.

خلاصه مقالات جراید آن وقت در خصوص قتل میرزا ابوطالب یزدی به این شرح است:

روزنامه آذربایجان مورخه ۱/ ۱۱/ ۲۲

ضمن بیان چگونگی قتل حاجی ایرانی اشاره نموده است که این واقعه اگر در دوره جاهلیت یا قرون وسطی اتفاق می‌افتاد مایه تعجب نبود ولی امروزه که دنیا برای آزادی می‌جنگد، عمال دولت سعودی با این عمل، وحشی گری و کوچکی فکر خود را ثابت نموده‌اند جبران سپس این فاجعه را از دولت تقاضا نموده است.

روزنامه آژیر مورّخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

این عمل مامورین دولت سعودی را تقبیح نموده و می‌نویسد:

دولت ما کاملا در اعتراضاتی که به‌عمل آورده محق بوده است امیدواریم این اتفاق لااقل درس عبرتی برای داوطلبان آینده

ص: ۹۲

(حاجی شـدن) بشود ووقتی مامورین دولت قبل از وقت از خطرات و مشـکلات مطلعشان می‌کننـد به آن ترتیب اثر داده و جان خود را به‌خطر نیندازند.

روزنامه اطلاعات

۱-/ مورّخه ۲۷/ ۱۰/ ۲۲

از تعصّب خشک و وحشـی‌گری و حماقت مامورین دولت سـعودی سخن رانده و سپس متذکر می‌شود که یک قسمت از این پیش آمدها ناشـی از خود سـری مردم است که بدون توجه به مقتضـیات و سیاست کشورمان بدون اجازه مسافرت می‌کنند و اضافه کرده است که اگر دولت مطمئن نیست در کشوری حقوق افراد او حفظ می‌شود به‌کلی رشته ارتباط را با آن کشور قطع نماید.

ضمناً پیشـنهاد می‌نماید مجازات مرتکبین این جنایت فجیع از دولت سعودی خواسته می‌شود و مادامی که رفتار دولت سعودی چنین باشد آقایان علماء و حجج اسلام حج را حرام کنند.

۲-/ مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

نسبت ملوّث کردن خانه خدا را به حاجی ایرانی رد نموده و پیشنهاد تحریم حج را می‌نماید و این وحشی‌گیری را که از طرف عمال سعودی سرزده مخالف اتحاد عالم اسلام و احکام قرآن می‌داند و جبران موضوع را از دولت خواستار گردیده است.

۳-/ مورّخه ۳/ ۱۱/ ۲۲

می‌گوید جلوگیری از رفتن ایرانیان به‌حج مانند این است که

ص: ۹۳

به‌علت وجود جانوران و وحوش در یک خانه، به‌عوض سرکوبی و بیرون کردن وحوش، اشخاص ذی‌حقوق را از ورود در آن خانه محروم کنیم و پیشنهاد می‌کند دول اسلامی به‌کمک متفقین خود طایفه وحشی و نالایق وهابی را از خاک کعبه و طرق وصول به‌آن خارج و یا مطیع نموده و حکومت مکه و آن صفحات به‌دست کمیته‌ای از نمایندگان دول اسلامی سپرده شود.

روزنامه اقدام مورّخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

تاریخچه‌ای از وهابی‌ها و قتل و غارت و وحشی‌گری آنان بیان نموده و می‌نویسد: ارتزاق پادشاه و هیئت دولت و قضات آنان از حجاج می‌رسد و پیشنهاد می‌نماید روابط ایران با آن حکومت قطع شود و حج از طرف علما تحریم گردد. در این شماره شرح اعتراض آمیزی از طرف دانشجویان دانشکده حقوق نیز درج گردیده است.

روزنامه امروز و فردا مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

پس از بیان وحشی‌گری وهابی‌ها می‌نویسد که: دولت غفلت و مسامحه نموده که شش هزار نفر به‌طور قاچاق از مرز خارج شده‌اند، سپس پیشنهاد می‌نماید با حکومت سعودی قطع رابطه شود و حج نیز تحریم گردد.

روزنامه امید موّرخه ۴/ ۱۱/ ۲۲

کاریکاتوری ساخته که وحشی‌گری و سبعیت مأمورین دولت سعودی را هنگام قتل حاجی ایرانی نشان می‌دهد، سپس تاریخچه قتل و غارت و وحشی‌گری‌های وهابی‌ها را شرح داده و پیشنهاد

ص: ۹۴

می کنـد حوزه کعبه به یـک سـرزمین بی‌طرف مبـدل گردد و عوایـدی که از حاجیان جمع آوری می‌شود، به‌مصـرف ساختن راه‌ها و مهمانخانه‌هـا ووسایـل تـأمین آسایش و سـلامت و پـذیرایی مسافران و حجاج برسـد و اضافه می‌نمایـد که فعلا مسافرت مکه به کلی موقوف و ممنوع گردد و می‌نویسد، خانه خدا را از دور هم میتوان زیارت کرد.

روزنامه ایران مورّخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

از این واقعه اظهـار تنفر نمـوده و می‌نویسـد: دولت مـا وظیفه خـود را انجـام داده و بایـد آنرا تعقیب نمایـد و پس از آن نطق مرحوم مدرّس را که به‌مناسبت حمله وهابی‌ها به‌حجاز در مجلس شورای ملی ایراد نموده بود عیناً نقل نموده است.

روزنامه باباشمل مورّخه ۶/ ۱۱/ ۲۲

اشعاری فکاهی در خصوص وهابی‌ها و ابن‌سعود و درجه تمدن آنها درج نموده است.

روزنامه تهران مصوّر مورخّه ۳۰/ ۱۰/ ۲۲

در ضمن یک مقاله با لحن شدیدی به ابن‌سعود حمله نموده اشعاری هم در این خصوص منتشر ساخته است.

روزنامه رعد امروز مورخّه ۳۰/ ۱۰/ ۲۲

شدیـداً به‌دولت سـعودی حمله نموده و می‌نویسـد: از دولت خواسـتاریم که اقدام پسـندیده خود را در این باب تشدید نموده و یقین داشته باشد که هر رویه شدید و فوق‌العاده هم که در این باب

ص: ۹۵

اتخاذ نماید، افکار عمومی کاملا پشتیبان و طرفدار و حامی او خواهد بود، ضمناً به‌واقعه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ اشاره نموده و مجازات مسبّبین آنرا خواستار گردیده است.

روزنامه ستاره

۱-/ مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

ضمن حمله به‌عمال دولت سعودی می‌نویسد: ابن سعود نقطه ضعف ملت حجاز را خوب تشخیص داده و به‌ظاهر به آنان فهمانده که مقررات اسلامی در کشورش اجرا می‌گردد، در صورتی‌که آنچه فعلا در کشور حجاز حکومت می‌کند به‌همه چیز شباهت دارد غیر از قواعد اسلامی.

۲-/ مورّخه ۲/ ۱۱/ ۲۲

اشاره به تلگراف آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی به‌اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و جواب آن نموده و پیشنهاد می‌کند دولت ایران با دولت سعودی قطع رابطه نماید و می‌نویسد:

از قطع رابطه با دولت سعودی آنها زیان می‌برند نه ایرانی‌ها و تحریم حج را نیز تقاضا دارد ضمناً می‌نویسد حکومت سعودی هتك حرمت خانه خدا را کرده و از نقطه نظر جامعه مسلمین حائز کمال اهمیت است، حکومت سعودی را مخالف با سنن و شعائر اسلامی دانسته و می‌گوید اهلیت ندارد که در مکه آمر مطلق باشد.

علاوه بر این همکاری سایر دول اسلامی را با ایرانیان در اعتراض به این عمل وحشیانه خواستار گردیده است.

ص: ۹۶

روزنامه صدای ایران

۱-/ مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

به فداکاری ایرانیها در پیشرفت حقایق اسلامی اشاره نموده و می‌نویسد: این عمل با قتلِ حیثیت و اعدامِ شرافت یک ملت سر و کار دارد [و در نتیجه] اعتراض دولت را کافی ندانسته و می گوید:

ملت ایران باید از این واقعه عبرت بگیرد و غیرت ملی او به‌جوش آمده عکس‌العملی که شایسته قومیت و شخصیت او است از خود ابراز دارد.

۲-/ مورّخه ۳/ ۱۱/ ۲۲

بطور مطایبه می‌نویسد که قصد ابن‌سعود اجرای قانون مجازات محتکرین بوده است.

۳-/ مورّخه ۵/ ۱۱/ ۲۲

صحنه قتل جوان ایرانی را ترسیم نموده و در ذیل آن شدیدا به‌دولت سعودی حمله نموده می‌نویسد خون طالب مانند خون سیاوش خواهد جوشید.

روزنامه فرمان

۱-/ مورّخه ۲۷/ ۱۰/ ۲۲

از وزارت خارجه سئوال می کند چرا زودتر این خبر منتشر نشده واز عمل‌جنایت‌آمیز عمال‌دولت سعودی اظهار تنفر می‌نماید.

۲-/ مورخه ۲/ ۱۱/ ۲۲

از تعصّب احمقانه و افکار ابلهانه ابن‌سعود نوشته و اظهار

ص: ۹۷

می‌دارد یک حس انزجار و تنفر بی‌نظیر این روزها در بین ایرانیان نسبت به‌دولت وهابی سعودی بوجود آمده است.

روزنامه کانون مورّخه ۶/ ۱۱/ ۲۲

شدیداً به ابن سعود حمله نموده و با اشاره به مهمان نوازی عرب و ورود ولیعهد حجاز به ایران و پذیرائی که از او به عمل آمده می‌نماید و پیشنهاد می کند که اگر خانه کعبه متعلق به عموم مسلمین نیست باید مسافرت به‌آنجا ممنوع و متروک گردد و اگر به‌عموم مسلمین تعلق دارد یا باید تولیت آن به اعقاب مرحوم سلطان حسین که اکنون در کشور عراق حکومت می کنند واگذار گردد و یا نمایندگان منتخب از طرف مجلس شورای ملی دول اسلامی زمان تولیت خانه کعبه را به‌عهده گیرند.

روزنامه کوشش

۱-/ مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

ضمن وصف چگونگی قتل حاجی ایران اظهار نظر می کند که چون خطر جانی برای زوار ایرانی در پیش است دیگر رفتن به‌مکه واجب نیست و خوب است علما رفتن به‌مکه را تا وضع چنین است تحریم کنند.

۲-/ مورخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

از این عمل وحشیانه عمال دولت سعودی اظهار تنفر نموده واشاره هم به‌زوار عتبات می‌نماید و ضمناً پیشنهاد می کند نمایندگان سیاسی ما باید به‌دولت عربی سعودی گوشزد کنند که تا جبران این

ص: ۹۸

واقعه را ننمایند ناچار دولت ما روابط خود را قطع خواهد نمود و حج هم از طرف علما تحریم خواهد گردید.

روزنامه کیهان مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

می‌نویسد اگر جان ایرانیان واقعاً محترم است چرا در مقابل هزاران حادثه و مصیبت داخلی که به‌نفوس این کشور روی می‌نماید و به تلخی جان از آنان می‌ستاند توجهی نداریم.

روزنامه مردان کار مورّخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

پس از اظهار تنفر از این اقدام دولت سعودی می‌نویسد: باید از رفتن به‌حج جلوگیری نمود، سفر حج برای مامورین کشور سعودی یک دکانی است که سالانه میلیونها از آن استفاده می‌کنند ....

روزنامه مشعل

۱-/ مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

به‌عمل وحشیانه دولت سعودی شدیداً حمله نموده و می‌نویسد:

اعتراض دولت در مورد این اقدام بی‌رویه مامورین دولت سعودی کاملا بجا و باید شدیداً تعقیب گردد و تحریم حج را پیشنهاد می‌کند نکته دیگر که تذکر می‌دهد عدم توجه مردم به‌مقررات و دستورات صادره دولت است و می‌نویسد باید مردم این مقررات و قوانین را رعایت کنند.

۲-/ مورّخه ۱/ ۱۱/ ۲۲

با اشاره به آیات قرآن مطلب را شرح داده و ثابت می‌کند که

ص: ۹۹

عمال دولت سعودی بر خلاف شرع اقدام کرده‌اند و لازم است ایرانیان تا وقتی‌که تامین جانی ندارند به‌حج نروند ضمنا مجازات مرتکبین این عمل را به‌نحو شدید که مورد عبرت عامه و مصونیت زوار آتیه گردد خواستار شده است.

روزنامه مهر ایران

۱-/ مورّخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

شرحی درباره احساسات نفرت انگیزی که در تمام مردم از عمل وحشیانه و دور از انسانیت حکومت سعودی ایجاد گردیده بیان نموده و پس از آن می‌نویسد:

حکومت سعودی با این عمل ثابت کرد که لیاقت اداره امور حرم شریف مکه را ندارد و در حکومت مزبور احکام قرآن اجرا نمی‌شود بلکه قواعد دوره جاهلیت و قبل از اسلام در آنجا حکم‌فرما است.

ضمناً می‌نویسد: هر سال در حرمین شریفین کربلا ده‌ها هزار زوّار از عشایر و طوایف عراق هجوم می‌آورند و هزار گونه کثافت و پلیدی بجای می‌گذارند و بعد هم متولّیان به تطهیر آن امکنه می‌پردازند دولت عراق هم قتل نفسی برای این عمل مرتکب نمی‌شود. نویسنده سپس حرم مکه را یک منطقه بین‌المللی اسلامی دانسته از دولت مصر و عراق نیز خواستار گردیده که با دولت ایران در اعتراض بر این عمل هم صدا شوند تا بدعت‌های دیگری بر

ص: ۱۰۰

خلاف اصول اسلام از طرف دولت سعودی ایجاد نگردد.

در پایان مقاله از دولت شاهنشاهی تقاضای قطع روابط سیاسی را می‌نماید و از علما نیز صدور حکم تحریم عزیمت به‌حجاز را خواستار گردیده است.

۲-/ مورّخه ۲/ ۱۱/ ۲۲

چندین نمونه از رفتار عنیف مردم عربستان را با ایرانیان در زمان گذشته شرح داده و سپس اظهار عقیده می‌کند که تقصیر با مردم است که گوش به‌حرف دولت و روزنامه‌ها نمی‌دهند و به وسایل نامشروع و غیرقانونی متوسل شده به‌طور قاچاق به‌مکه می‌روند.

آنگاه ترجمه ابلاغیه رسمی حکومت سعودی را چاپ کرده و آن را مورد بحث قرار داده و حاجی ایرانی را به‌موجب آن بی‌گناه دانسته و این ابلاغیه را سند بربریت حکومت سعودی میخواند.

وی از وزارت امور خارجه تقاضا دارد که متن عربی این سند با ترجمه آن را به زبانهای زنده دنیا برای کلیه دول مخصوصا دولتهای عربی اسلامی بفرستد و آن‌را در معرض قضاوت افکار دولت‌ها قرار بدهد.

سپس اظهار عقیده می‌نماید که با این سند دولت سعودی در هر محکمه به‌استثنای محکمه خودش محکوم خواهد شد. علاوه بر این می‌نویسد: حاجیانی که برگشته‌اند نقل می‌کنند که امسال به‌ایرانی‌ها در مکه چیزی نمی‌فروختند و به آنها اهانت روا

ص: ۱۰۱

می‌داشتند و اذیت و آزار می‌کردند و حکومت سعودی تعمدی در سوء رفتار با ایرانیان داشته است.

روزنامه میهن‌پرستان

۱-/ مورّخه ۲۸/ ۱۰/ ۲۲

ضمن اظهار این‌که در چنین روزگاری ثروت ایران نباید در خارج مصرف شود و تا وقتی‌که شکم ایرانی‌ها گرسنه است پول ایرانی نباید خرج اعراب سعودی شود از دولت تقاضای قطع رابطه با دولت سعودی و از علما درخواست تحریم حج را می‌نماید.

۲-/ مورّخه ۲۹/ ۱۰/ ۲۲

در این شماره اعتراض سازمان دانشجویان دانشکده حقوق از طرف دانشجویان دانشگاه درباره قتل حاجی ایرانی با لحن شدیدی نسبت به‌دولت عربی سعودی چاپ شده است.

روزنامه ناهید مورّخه ۱/ ۱۱/ ۲۲

ایراد می‌گیرد که چرا نام و نشان و جزئیات مربوط به‌جوان یزدی مقتول را وزارت امور خارجه منتشر ننموده و اظهار نظر می‌کند که علما نمی‌توانند شرعا حج را تحریم کنند.

این شماره، تلگراف اعتراض آمیز کرمانی‌ها را نیز در این خصوص منتشر کرده است.

روزنامه نجات ایران مورّخه ۳/ ۱۱/ ۲۲

پس از بیان فلسفه زیارت کعبه با لحن شدیدی به‌دولت سعودی و ابن سعود بد می‌گوید و می‌نویسد: ما از تمام مسلمین

ص: ۱۰۲

جهان انتظار داریم که نسبت به این شقاوت‌گری با ایرانیان در ابراز تنفر شرکت کنند و از دولت تقاضای اتخاذ تصمیمات موثر دارد از علما نیز درخواست نشان دادن عکس‌العمل‌های مؤثری را می‌نماید. تمهید ه الله اکبر ر ا صدق الله العظیم ت نب الحمد لله شد؟؟؟؟

ص: ۱۰۳

ص: ۱۰۴

ص: ۱۰۵

ص: ۱۰۶

ص: ۱۰۷

ص: ۱۰۸

## تلاش مصر برای حل و فصل مناقشه

باتوجه به گسترش ابعاد مربوط به حادثه شهادت میرزاابوطالب یزدی، دولت مصر تلاش می‌کند تا به شکلی موضوع خاتمه یافته، کار به قطع روابط نیانجامد. سفیر ایران موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد:

## وزارت خارجه

امروز هفتم مارس (۱۶ اسفندماه ۱۳۲۲) در ساعت ۲۵/ ۱۱ به وزارت امور خارجه رفته با آقای صلاح‌الدین بیک معاون وزارت امور خارجه ملاقات به‌عمل آمد. تلگراف شماره ۱۹۵۳ وزارت خارجه به‌ترتیب ذیل ابلاغ گردید:
وزارت خارجه از زحماتی که جناب آقای نحاس‌پاشا در قضیه قتل ابوطالب یزدی متحمّل شده‌اند متشکر است. راجع به پیشنهاد اعلامیه سه‌جانبه که جناب نخست‌وزیر پیشنهاد کرده‌اند نظر دولت شاهنشاهی این است:
مادامی که قضیه قتل ابوطالب و توهینی که نسبت به ایرانیان شده است تصفیه نشده، دولت شاهنشاهی حاضر به امضای هیچ قراردادی با دولت سعودی نیست، بنابراین، پیشنهاد فعلًا مسکوت گذارده می‌شود. به‌علاوه دولت ایران نظر به احترام اظهار نظری که نحاس‌پاشا در تأخیر انداختن قطع رابطه با دولت سعودی نموده

ص: ۱۰۹

بودنـد، بیست روز دیگر بر مـدت آن که اول یک ماه درنظر گرفته شده بود می‌افزاید. بنابراین چنان‌که تا ۲۶ مارس، ششم فروردین ۱۳۲۳ اقـدام مساعـدی در رفع این توهین و جبران قتـل ابوطالب نشود، دولت مصـمم است قطع هرگونه روابط سیاسـی و اقتصادی با دولت عربی سـعودی بنمایـد و نظر به این‌که این اتفـاق در موقعی که نماینـده دولت پادشـاهی مصـر، مـأمور حفـظ منـافع ایران بوده به‌عمـل آمـده، دولت شاهنشاهی انتظار دارد از طرف جناب آقای نخست وزیر نحاس‌پاشا، جـدیت و اهتمام بیشتری در حل قضـیه و استرضای خاطر دولت ایران به‌عمل آید.

آقـای صـلاح‌الدین بیک اظهار کردنـد که مراتب را به‌نحوی که ذکر شـد، به اطلاع آقای نحاس‌پاشا فوراً خواهنـد رسانیـد. با اظهار امتنان خداحافظی نموده، به سفارت مراجعت نمودم.

یادداشتی هم که صورت آن در پرونده ضـبط است بر طبق تلگراف شـماره ۱۱۵۳ به دولت عربی سـعودی توسط سفارتشان در مصر کتباً فرستاده شد. (۱) سفیر کبیر

## تلگراف عبدالعزیز به شاه

در فروردین سال ۱۳۲۳ و در آستانه قطع روابط با دولت سعودی، عبدالعزیز بن سعود به مناسبت سال نو شمسی تلگرافی به

---

۱- شماره سند ۷۷، ح، ۲۲۴ و تاریخ ارسال آن ۱۶/ ۱۲/ ۱۳۲۲ است.

ص: ۱۱۰

این شرح خطاب به شاه ارسال می‌نماید:

با کمال مسرت از این فرصت استفاده نموده، به مناسبت سال جدید تمنیات خالصانه خود را برای سعادت آن اعلی‌حضرت و ملت نجیب ایران تقدیم می‌دارم.

عبدالعزیز

## پاسخ شاه

شاه پاسخی مسالمت‌آمیز به این شرح خطاب به ملک عبدالعزیز ارسال می‌کند:

اعلی‌حضرت ملک ابن السعود پادشاه کشور عربی سعودی

از تبریکاتی که به‌مناسبت نوروز فرموده بودید، متشکرم و امیدوارم که دولت آن اعلی‌حضرت با پیشنهاد راه حل دوستانه و رضایت‌بخش، راجع به مسائل مورد بحث فیمابین، سعی دولت را برای تحکیم روابط دوستانه موجود بین دو دولت تسهیل خواهد کرد.

## پاسخ عبدالعزیز

پادشاه سعودی از پاسخ حقیرانه شاه سوءاستفاده کرده، نامه‌ای به شرح پیوست خطاب به شاه ارسال و در آن بر صحت کار انجام شده تأکید می‌ورزد.

متن نامه این‌چنین است:

ص: ۱۱۱

## حضرت صاحب‌الجلاله شاه ایران

وصول تلگراف آن اعلی‌حضرت بهترین تأثیرات را برای ما حاصل و خدا را شکر می‌کنم که برای مسلمین پیشوایانی تجربه‌دیده مانند آن اعلی‌حضرت فرستاده که در اوضاع سختی مثل وضعیت فعلی در پیشرفت مصالح کشور خود اهتمام می‌نمایند و این فرصت را مغتنم شمرده، برای آگاهی خاطر خطیر ملوکانه‌برادر خود تذکر می‌دهیم که این واقعه اسف‌آور که در یک مکان مقدس و در مقابل هزاران هزار از مسلمین اتفاق افتاد مطابق حکم شرع شریف که در بلاد ما درباره خاص و عام نافذ و جاری است، رفتار شده و ما یقین داریم که اگر نظیر این امر در بلاد آن اعلی‌حضرت اتفاق می‌افتاد، حکمی را که طبق قوانین و مقرّرات کشور صادر شده است، هر طور آن اعلی‌حضرت مقتضی می‌دانند به‌موقع اجرا می‌گذارند و منظور از اجرای حکم شرعی به‌هیچ‌وجه لطمه و اهانتی به شرافت و حیثیت ملت دوست خودمان که هزاران نفر از ایشان را امسال در ایاب و ذهاب به مکه از چنگال مرگ در صحرا و بیابان نجات داده بودیم نبوده است و با استحضار خاطر اعلی‌حضرت برادر ارجمند به حقیقت ماوقع، که اشخاصی که مایل هستند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند سعی در کدورت روابط مابین دو کشور می‌نمایند و پس از وقوف به نیک‌خواهی و صداقت ما یقین حاصل خواهید فرمود که اقدام ما از روی اضطرار و طبق نظامات کشور خودمان بوده و

ص: ۱۱۲

هیچ‌منظور دیگری جز اجرای حکم شرع و اطفای فتنه بین حجاج نداشته‌ایم و برای این‌که ممکن است در تلگراف اغلاطی حاصل شود، نامه مخصوصی به آن اعلی‌حضرت فرستادیم که از جریان امر به‌طور کامل و چنان‌که اتفاق افتاده استحضار حاصل فرمایند.

با تقدیم سلام و احترامات

عبدالعزیز

فشار افکار عمومی در ایران و عراق، و اعتراض علما و مردم، به دو کشور اجازه نمی‌دهد تا راه حلی مسالمت‌آمیز را دنبال نموده، خون شهید میرزاابوطالب یزدی پایمال شود. سفارت ایران در قاهره نیز در تاریخ ۱۴/ ۲/ ۱۳۲۳ نظر خود را به این شرح به وزارت امور خارجه ایران منعکس می‌نماید:

## وزارت امور خارجه

تلگراف شماره ۱۶۰ واصل، با جناب آقای سید باقر کاظمی تبادل نظر گردید. قبلًا هم با نحاس‌پاشا و شارژدافر عربی سعودی مذاکره به‌عمل آمده است: اولًا اگرچه لحن تلگراف اعلی‌حضرت ابن‌السعود ملایم و دوستانه است، ولی در اصل موضوع که قتل ابوطالب یزدی باشد می‌گوید: حکم از محکمه شرع مطابق قانون محل صادر و اجرا گردیده است و نمی‌شود آن را تغییر داد.

نحاس‌پاشا و سفیر کبیر انگلیس هم صریحاً به این‌جانب اظهار

ص: ۱۱۳

نموده‌اند دولت ابن‌السعود حاضر برای خواستن عذر، یا دادن وجهی به ورّاث مقتول نمی‌باشد، بنابراین راه حلی جز به دو طریق به نظر نمی‌رسد:

اولًا برای سیاست داخلی و حفظ حیثیت، دولت باید قطع رابطه نماید، یا این‌که اگر دولت تصور می‌فرمایند که می‌تواند افکار عمومی را ساکت و راضی نماید همین تلگراف ملک ابن‌السعود را که نسبت به آینده تلویحاً مساعد است قبول نموده، موضوع را مسکوت‌عنه بگذارد.

نظر آقای کاظمی در قطع رابطه است. تصمیم قطعی در این باب بسته به‌نظر دولت خواهد بود. البته خود آقای کاظمی که فردا عازم تهران است حضوراً توضیحات لازمه را به عرض خواهد رسانید. (۱) سفیر ایران در مصر در تاریخ ۸/ ۴/ ۱۳۲۳ در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، دیدگاه خود را نسبت به انجام تبلیغات ضدسعودی در روزنامه‌های مصر به این شرح به تهران مخابره می‌نماید:

## وزارت امور خارجه

نامه محرمانه شماره ۱۰۹۲ مورّخه ۲۴ خرداد گذشته در خصوص قتل ابوطالب یزدی در مکه عزّ وصول بخشید، به‌طوری که

---

۱- شماره سند ۷۷، ح، ۲۵۱ و تاریخ آن ۱۴/ ۲/ ۱۳۲۳ است.

ص: ۱۱۴

دستور داده شده، اقدام خواهد شد، ولی تصور نمی‌کنم در انتشار این اخبار در مصر موفقیتی حاصل و در حل مسأله به‌طوری که منظور دولت است نتیجه به‌دست بیاید، زیرا در تمام مصر سانسور بسیار شدید موجود است. اداره سانسور قطعاً نخواهد گذاشت جملاتی به [بر علیه] عربی سعودی در روزنامه‌ها منتشر شود، چنان‌که برای مقاله‌ای که در روزنامه پروکراژیپسین در تاریخ ۵/ ۲/ ۱۹۴۴ راجع به این موضوع به‌عنوان اقتباس از آژانس فرانسه از لندن منتشر کرد، فوراً مورد مؤاخذه سخت قرار گرفته و جوابی که قطعاً از طرف وزارت امور خارجه مصر القاء شده بود داده شد، که برعلیه ابوطالب یزدی و تأیید اقدام حکومت عربی سعودی بود.

به‌طوری که در گزارشات سابق سفارت اشعار شده، در آن موقع جوابی از طرف سفارت داده شده و سانسور مانع انتشار آن گردیده است. این‌جانب نزد نحاس‌پاشا نخست‌وزیر رفته، شدیداً اعتراض و اظهار کردم، دولت مصر که حافظ منافع ایران در مکه بوده، برخلاف انتظار، علاوه بر این‌که مساعدتی در این قضیه اسف‌آور و برای حل موضوع نکرده، این تأثیر را می‌دهد که از اقدام خلاف انسانیت و عدالت سعودی‌ها تقویت دارد، جواب داد دولت مصر مسلمان و با هر دو کشور دوست است، میل ندارد یک مشاجره قلمی توسط جراید در این باب برپا و بالاخره باعث آشفتگی وضعیت بشود، این است که دستور داده است هیچ خبری در این موضوع منتشر ننمایند.

ص: ۱۱۵

با این روحیه تصور نمی‌کنم اگر کنسول‌گری دمشق موفق به انتشار بعضی مقالات بشود، بگذارند در جراید مصر منعکس شده و نتیجه از آن به‌دست بیاید.

دولت انگلیس هم که به آن اشاره فرموده‌اید: در مقابل اقدام دولت در تهران و مخلص در مصر پس از مراجعه سفارت کبرای انگلیس به لندن جواب دادند:

چون موضوع مذهبی است، دولت انگلیس میل ندارد مأمورین انگلیسی در این قضیه مداخله کنند.

وزیر مختار آمریکا هم به این‌جانب اظهار تأسف از وقوع قضیه نموده اظهار کرد: امیدوارم موضوع را بزرگ نکرده و احتراز از قطع‌روابط بین دولتین بشود، رویه آن‌ها هم با این اظهار وزیر مختار آمریکا معلوم شد. پس بنابراین مسأله باید بین ایران و دولت سعودی مستقیماً حل بشود.

به‌نظر این‌جانب اگر چنان‌که دولت شاهنشاهی تلگراف اعلی‌حضرت ملك عبدالعزیز را به اعلی‌حضرت، اطمینان‌بخش برای آتیه می‌دانند و به عقیده این‌جانب اطمینان‌بخش هم هست، با اطلاع آقایان علما، مفاد تلگراف ملك عبدالعزیز را منتشر و قضیه را ختم‌شده بدانند.

در صورتی که از نقطه‌نظر تأثیرات سویی که قتل ابوطالب یزدی در عالم شیعه کرده، دولت محظوراتی از نقطه‌نظر سیاست داخلی دارد، چون وسیله فشار دیگری دولت برعلیه حجاز ندارد،

ص: ۱۱۶

در ایران و عراق اعلام نمایند که چون دولت حجاز حاضر برای جبران این فاجعه عظیم نشده، دولت ایران تصمیم گرفته مادامی که این قضیه حل نشده مسافرت به حجاز را اکیداً قدغن نماید، البته این امر اگر آقایان علمای عتبات هم مسافرت حج را تا مدتی تحریم نمایند، مؤثرتر و بهترین وسیله فشار خواهد بود.

حال به هرنحوی که دولت صلاح می‌دانند اقدام خواهند فرمود. منظور این است که دولت به هیچ وجه انتظار مساعدتی از طرف مصر و انگلیس و آمریکا حتی عراق نباید داشته باشد، زیرا تمام این دول، خود در این موقع منافعی در حجاز دارند که موضوع ابوطالب را در درجه آخر قرار می‌دهند. (۱) سفیر کبیر

## قطع روابط با سعودی

همانگونه که قبلًا گذشت آقای سیّدباقر کاظمی در زمینه عکس‌العمل دولت ایران در برابر این حادثه، پیشنهاد قطع رابطه را مطرح کرد، وی در تاریخ ۲۴/ ۱/ ۱۳۲۳ مجدداً تلگرافی خطاب به آقای ساعد فرستاده می‌نویسد:

جناب آقای ساعد

قرار بود ششم فروردین روابط با کشور سعودی قطع

---

۱- سند شماره ۷۷، ح، ۲۵۸، مورخ ۸/ ۴/ ۱۳۲۳.

ص: ۱۱۷

شود، بـا جواب‌هـای حکومت سعودی و جریـان امر، تأخیر بیش از این، مخالف مصالـح عالیه و حیثیات ایران [بوده و] واجب اسـت تلگرافاً امر فرمایید فوراً روابط قطع و حفظ منافع به دولت عراق واگذار شود منتظر جواب.

سفیر ایران در عراق نیز می‌نویسد:

نامه شماره ۷۷/ ح/ ۲۳۶ مورّخ ۹/ ۱/ ۱۳۲۳ ... امّا عقیـده اینجـانب این است که از نقطه نظر سیاست داخلی و تأثیر عمیقی که این قضیّه در افکـار شیعیان تمام عالم نموده و باعث تنفّر آنها شـده است، اگر دولت تصـمیم در قطع رابطه بگیرد خوب است؛ زیرا تنها وسیله جلوگیری از مسافرین ایرانی در سال آینـده به حـجّ خواهـد بود، در صورتی که علمای بزرگ هم مادامی که تأمین در امنیت حجـاج و مرمت این قضـیه به دست نیایـد، مسـافرت به مکّه را حرام نماینـد و الّا ممکن است نتیجه مطلوب به دست نیایـد و باز مثل امسال اشخاص به قاچاق و از راه‌های غیر مجاز به حج رفته اسباب اشکال شود. سفیر کبیر

سرانجـام بر اسـاس پیشـنهاد کارشـناسان و پس از ردّ و بـدل شـدن نامه‌های دو کشور، در تابسـتان سال ۱۳۲۳ ه. ش. روابـط ایران و عربستان قطع، و مصر حفاظت منافع ایران در عربستان و لبنان نیز حفاظت منافع عربستان در ایران را به عهده گرفتند. واین وضعیت تا سال ۱۳۲۶ ه. ش. ادامه یافت.

ص: ۱۱۸

## نامه ملک عبدالعزیز به شاه

در خرداد سال ۱۳۲۶ ه. ش، ملک عبدالعزیز نامه‌ای به شاه نوشته، خواستار تجدید روابط و حلّ سوء تفاهمات گردید. متن نامه به این شرح است:

بسم‌اللَّه الرحمن الرحیم

از طرف عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفیصل آل سعود

به اعلی‌حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی معظم ...

پس از ادای سلام زحمت می‌دهد که جناب استاد عادل‌بیگ عسیران به ملاقات ما آمد و به سابقه وطن‌پرستی و احساسات اسلامی خود، در باب همکاری صمیمانه‌ای که در شرق اسلامی بین کلیه طبقات ملل ما جاری و حکم‌فرما است و همگی از آن مسرت داشته و بر هریک از ما تحکیم آن روابط دوستانه و محبت‌آمیز و تسهیل جریان آن بین عموم که صلاح کشور و سعادت عالم انسانیت و موجب رفاه و خوشبختی همگی است لازم و واجب است سخن راند.

اینک نظر به این‌که ما هم اشتیاق کاملی به این موضوع داشته و مایل به تحکیم و تسهیل جریان آن می‌باشیم، کما این‌که در عین حال مایل به رفع کلیه موجبات سوءتفاهم بوده و مایل به تشیید مبانی دوستی و مودت بین کلیه ملل شرق هستیم، لهذا موجب کمال مسرت ماست که مناسبات دوستی قدیمی خود را که گردی از فترت

ص: ۱۱۹

بر آن نشسته بود، بـا دولت آن اعلی‌حضـرت تجدیـد نموده، که آب‌هـا به مجـاری سـابق خود بازگردد و برای وصول به این منظور مقرر داشـته‌ایم در همین نزدیکی، یعنی پس از بـازگشت وزیر امورخـارجه مـا از آمریکـا، وزیر مختـاری در دربار آن اعلی‌حضـرت معین و برقرار نماییم که دوستی بین دو ملت را وصل و تشدیـد نمایـد، همچنان‌که خوشوقت خواهیم شـد چنان‌چه آن اعلی‌حضـرت هم عین همین عمل را اجرا بفرمایند، تا امور بین دو کشور به حال طبیعی خود بازگشـته و باب مودت و دوستی مانند گذشـته برقرار شده و در آینده هم پایدار بماند.

اینک به مناسـبت این پیش‌آمـد فرخنـده احترامات خالصانه و بهترین آرزوهای خود را به پیشـگاه آن اعلی‌حضـرت تقـدیم می‌دارم.

والسلام

در کاخ سلطنتی احساء

روز ۱۶ ذی‌قعده سال ۱۳۶۶ قلمی گردید

عبدالعزیز السعود

پاسخ شاه به ابن سعود

شاه در تاریخ ۲۸/ ۷/ ۲۶ ه. ش پاسخی به این شرح برای پادشاه عربستان سعودی ارسال نمود:

اعلی‌حضرت ملک ابن السعود پادشاه کشور عربی سعودی

نامه گرامی مورّخ ۱۶ ذی‌القعدهٔ الحرام ۱۳۶۶ که حاکی از

ص: ۱۲۰

اظهار اشتیاق آن اعلی‌حضرت به تجدید مناسبات دوستی و رفع کلیه موجبات سوء تفاهم و تصمیم به اعزام وزیرمختار به دربار ما بود زیب وصول بخشید، با علاقه تامی که ما و دولت ما مخصوصاً به دامنه روابط حسنه و تحکیم رشته‌های مودت بین ایران و کشورهای اسلامی داریم، از سوء تفاهم موجود بین دو کشور همواره ملالت خاطر داشتیم و بنابراین تمایل آن اعلی‌حضرت را با حسن قبول تلقی نموده و یقین داریم باتوجه و اهتمام خاص آن اعلی‌حضرت و ورود وزیر مختاری که به دربار ما مأمور خواهد شد، دوره جدیدی در مناسبات دو کشور آغاز خواهد گردید، ما نیز به دولت خود امر و مقرر داشتیم متقابلًا در تعیین و اعزام وزیرمختار نزد آن اعلی‌حضرت اقدام شایسته به‌عمل آورد.

در خاتمه مسرت خاطر خود را از احساسات مودت‌آمیزی که نسبت به ما ابراز فرموده‌اید، به ضمیمه احترامات خالصانه خود به آن اعلی‌حضرت اظهار می‌داریم.

کاخ مرمر به تاریخ بیست و هشتم مهرماه یک هزار و سیصد و بیست و شش

سال هفتم سلطنت ما

عبدالعزیز علاوه بر نوشتن نامه، در مهرماه همان سال نیز هیأتی به ایران اعزام داشت که این اقدام زمینه را برای برقراری روابط فراهم ساخت.

ص: ۱۲۱

وزارت امور خارجه ایران سرانجام باتوجه به زمینه‌های فراهم شده در تاریخ ۲۰/ ۴/ ۱۳۲۷ ه. ش. طی یادداشتی خطاب به سفارت کشور عربی سعودی اعلام کرد:

عطف به یادداشت شماره ۲۷۶/ ۷۷ و پیرو مذاکراتی شفاهی جناب آقای نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه با آقای حمزه غوث وزیرمختار دولت سعودی، راجع به مسافرت اتباع ایران به کشور عربی سعودی به قصد حج، احتراماً خاطرنشان می‌سازد: نظر به تعهّد دولت سعودی در تسهیل مسافرت حجاج ایرانی، دولت شاهنشاهی انتظار دارد تدابیر مقتضی از طرف مأمورین دولت عربی سعودی اتخاذ گردد که حجّاج ایرانی از حداکثر تسهیلات ممکنه استفاده کرده و اجازه ندهند که‌نسبت به‌حجّاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها هیچ‌گونه مشکلی ایجاد شود و وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نماید. (۱) سفارت سعودی نیز در پاسخ به این نامه نوشت:

سفارت عربستان سعودی با تقدیم احترامات به وزارت خارجه شاهنشاهی مفتخراً در پاسخ یادداشت شماره ۱۶۰۶۰/ ۱۴۸۸/ ۴ مورخ ۲۰/ ۴/ ۱۳۲۷ اعلام می‌دارد که دولت عربستان سعودی نهایت کوشش خود را برای محافظت و تأمین آسایش حجاج به‌کار می‌برد و حجاج ایرانی را نیز مانند دیگر حجاج مشمول این محافظت و

---

۱- شماره سند ۱۶۰۶۰/ ۱۴۸۸- ۴ و تاریخ ارسال آن ۲۰/ ۴/ ۲۷ است.

ص: ۱۲۲

نگاهداری می‌سازد و به هیچ وجه مایل نیست کوچک‌ترین زیان و آسیبی به ایشان وارد شود.

دولت برای سلامت حجاج تمام تدابیر مقتضی را به‌کار برده و انجمن مخصوصی نیز برای قبول مراجعات حجاج و تأمین راحت و آسایش و تسهیل امور آنان تعیین کرده است.

سفارت سعودی این فرصت را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد. (۱) و بالأخره از سال ۱۳۲۷ ه ش. ممنوعیت حجّ برداشته شد و بار دیگر روابط سیاسی ایران و عربستان برقرار گردید.

گزارش آقای علی سپهری

حال در پایان این نوشتار به نقلِ برخی گزارش‌های مکتوب، مربوط به حادثه شهادت مرحوم میرزا ابوطالب یزدی می‌پردازم باشد تا برای محققان مفید و مورد استفاده قرار گیرد:

۱- نامه آقای علی سپهری اردکانی مؤلف کتاب تاریخ اردکان‌به نگارنده در تاریخ ۷ / ۱۱ / ۷۹ شرح ماجرا از زبان همسر مرحوم‌میرزا ابوطالب:

جناب آقای قاضی عسکر زید توفیقه

از اینکه چند روزی تأخیر شد می‌بخشید چون می‌خواستم سند جدیدی پیدا کنم که متأسفانه تاکنون بدست نیامده و در صورت پیدا

---

۱- شماره سند ۷۶، ۲، ۸۹ و تاریخ آن ۱۱/ ۹/ ۱۳۶۷ ه. ق است.

ص: ۱۲۳

شدن در اسرع وقت خدمتتان تقدیم می‌دارم اما آنچه که از قول همسر او به یاد دارم و این صحبت بعد از چاپ تاریخ اردکان بوده بدین شرح است:

در سال ۱۳۲۲ سه نفر به‌نام‌های ابوطالب فرزند حاج حسین مهر علی و حاجی غلام معصومی معروف به پهلوان و حاجی قلی، به قصد زیارت خانه خدا از اردکان حرکت نمودند و ظاهراً کاروان هم نبوده و مبلغ ۵ هزار تومان پول، که کلًا سکه بوده و سکه‌های آن روز کمتر از ده ریالی بوده و یک سر خورجین الاغ‌شان پر شده بود، از اردکان حرکت می‌کنند و از راه خرمشهر به کویت می‌روند و از آنجا با شتر به مکه می‌روند.

ابوطالب با اینکه جوان و پر قدرت بوده اما هر گاه آبگوشت کله پاچه می‌خورده دچار ناراحتی می‌شده و همانگونه که نوشته‌ام هنگام بیرون رفتن از خانه قرآن را باز کرده و سوره یوسف آمده که او با نگرانی منزل را ترک کرده و همسرش می‌گفت حتی چند روز قبل از حرکت هم نگران بوده است.

خلاصه به مکه می‌رسند و اعمال عمره تمتع را به جای می‌آورند واعمال هم درست بلد نبودند و از یک روحانی می‌پرسند و سپس چند روزی در مکه می‌مانند تا روز هشتم ذی حجه که به عرفات می‌روند و اصولًا چون سواد نداشتند، چندان اطلاع دقیقی از مناسک نداشتند و حتی حاجی قلی همسفر او شاید هم به‌علت پیری درست نمی‌دانست که چند روزی در منی بوده به هر حال پس

ص: ۱۲۴

از قربانی کردن، کله‌پاچه گوسفند را برداشته به همراه جگر و سیرابی آن پخته و می‌خورند و بالطبع ابوطالب که در اردکان از خوردن چنین غذائی مریض می‌شده آنجا وضع بدتری پیدا می‌کند.

[این حادثه] احتمالا- روز دهم یا یازدهم بوده، زیرا حاجی قلی می‌گفت دو روز بیشتر در زندان نبوده و روز دوازدهم ذی حجه گردن او زده شده بهر حال حاجی قلی می‌گفت عصر بوده که برای طواف رفته بودیم و من طواف کرده و در حجر اسماعیل مشغول خواندن نماز بودم که ابوطالب در حالیکه ناراحت بود آمد و گفت من حالم خوب نیست بیا برویم منزل و من گفتم اینجا بنشین تا من دو رکعت نماز بخوانم و سپس برویم منزل، او در کنار حجر اسماعیل نشست ومن دو رکعت نماز خواندم و چون بلند شدم، ابوطالب که بی حال شده بود و کنترل هم از دستش بیرون رفته و حال وی به هم می‌خورد (توضیح اینکه بخاطر خوردن کله پاچه چنین حالتی به او دست داده است).

همسرش می‌گفت که استفراغ کرده لذا احرامیش را جلو دهانش گرفته تا روی زمین نریزد. فوراً مصری‌ها جریان را اطلاع داده ابوطالب دستگیر و بازجوئی می‌شود. چون زبان هم نمی‌دانسته هر چه می‌گفتند، فقط می‌گفته نه، البته بعضی نقل‌ها در اردکان این بود که از او پرسیده‌اند که مریض هستی گفته نه!! حاجی قلی می‌گفت پس از دستگیری، ما به همراه مامورین به زندان رفتیم و مرتب این دو روز به ملاقاتش می‌رفتیم و غذا و چیزهای مورد نیاز

ص: ۱۲۵

را برایش می‌بردیم واو فقط می گفت یک کار کنید مرا نجات دهید، و ماموران می گفتند فردا خلاص.

ما گمان می کردیم خلاص، یعنی آزاد می‌شود، اما روز دوم که رفتیم به اتفاق ما او را از زندان بیرون آوردند و با هم به بازار صفا و مروه رفتیم و اصلًا فکر نمی کردیم، که دیدیم او را نشاندند و با شمشیر گردنش را از پشت زدند. حاجی غلام پهلوان که غش کرد افتاد و بعد از به هوش آمدن فرار کرد. اما من به‌دنبال جسد ابوطالب رفتم و جسد را گرفتم و به اتفاق یک نفر روحانی او را بردیم غسلش دادیم و در قبرستان ابوطالب دفن کردیم.

خبر این حادثه در اردکان موجی از غم و اندوه در برداشت و حتی بعد از مدتی چند نامه از وزارت خارجه برای خانواده ایشان آمده که متاسفانه نامه‌ها پیدا نشد. به هر حال این جریان باعث گردید که چند سال حج از طرف ایرانی‌ها تعطیل گردد و ظاهراً در سال ۱۳۲۷ بار دیگر ایرانی‌ها به حج عزیمت می کنند و والده اینجانب در آن سال به مکه مشرف شده، هیچ بحثی از ابوطالب به میان نیامده و حتی قبرش نیز نامشخص بوده است.

بقیه مطالب را می‌توانید از کتاب تاریخ اردکان و کتاب با ما به خانه خدا بیایید استفاده نمائید.

در خاتمه سعادت و سلامتی و توفیق روز افزون حضرتعالی را از خدای بزرگ خواستارم‌با تشکر فراوان

علی سپهری اردکانی

ص: ۱۲۶

۲- نقل ماجرا در کتاب تاریخ اردکان

یکی از جریانات سیاسی مرموزی که در سال ۱۳۲۲ شمسی اتفاق افتاد و علت واقعی آن هیچگاه روشن نشد ماجرای گردن زدن ابوطالب اردکانی بود.

وی که یک کشاورز ۲۵ ساله (۱) اردکانی بود و ۵ سال بوده که از ازدواجش می‌گذشت در آن سال به اتفاق دو نفر دیگر (آقایان حاجی غلام معصومی معروف به پهلوان و حاجی‌قلی) راهی زیارت خانه خدا گردید و هنگام خروج از منزل، قرآن را باز نموده و بر حسب اتفاق به آیه‌ای از قرآن برخورد که بیان کننده ماجرای حضرت یوسف بود و ابوطالب با ناراحتی به همسر و دیگر بدرقه کنندگان گفت من به سرنوشت یوسف دچار می‌شوم. (۲) اما بدرقه کنندگان به او دلداری داده می‌گفتند سفر حج سختی زیاد دارد و آیه قرآن نشان دهنده این سختی‌ها می‌باشد.

به هر حال ابوطالب راهی مکه گردید و در جریان طواف به علت بیماری به استفراغ مبتلا گردید و برای احترام خانه کعبه بلافاصله احرامی خود را جلوی دهان گرفت و در نتیجه احرامیش

---

۱- در گزارش‌های مربوط به وزارت امور خارجه، سن ابوطالب بیست و دو سال ذکر شده است.

۲- همسر ابوطالب در سال ۱۳۷۲ به همراه مؤلف کتاب تاریخ اردکان به مکه معظمه مشرف شده بود و پس از ۵۰ سال در طول سفر مرتب از ابوطالب یاد می‌کرد و جریان را برای مؤلف اینگونه بیان نمود.

ص: ۱۲۷

آلوده شد، اما مانع از کثیف شدن خانه کعبه گردید و در این موقع چند نفر که بنا به نوشته کتاب با من به خانه خدا بیایید (۱) و از شخص ثالثی پول گرفته بودند، شهادت دادند که ابوطالب قصد کثیف کردن کعبه را داشته است و ابوطالب بیچاره بازداشت گردید و سپس در دارالقضاء شرعی محاکمه و به اعدام محکوم شد و در روز دوازدهم ذی الحجه که سالروز به قدرت رسیدن آل سعود است و به همین مناسبت جشنی در مکه برگزار گردید و ملك عبدالعزیز با تشریفات خاصی به حرم آمد و پس از برگزاری نماز ظهر با جماعت، حکم اعدام ابوطالب را به‌دست وی داده، پس از مطالعه آن را تأیید نمود و آنگاه از مسجد الحرام خارج شد! و دو ساعت بعد ۵۰ نفر پاسبان ابوطالب را در حالی که دستبند به دست‌هایش زده بودند، از مرکز پلیس خارج و به جلوی بازار صفا و مروه آوردند و در میان جمعیت مقابل سکوی مجازات قرار دادند.

جلاد رسمی دولت سعودی که یک‌نفر سیاه‌پوست بلند قامت بود ابوطالب را چهار زانو روی زمین نشانده و بازوان او را بر محوری ثابت بسته و سپس به دستش دستبند زد، جمعیت در میدانی که نزدیک دار القضاء شرعی بود جمع شده و منتظر اجرای حکم بودند.

ترجمه فرمان قتل که به زبان عربی قرائت شد چنین است:

---

۱- تألیف خلیلی عراقی.

ص: ۱۲۸

ابوطالب از شیعیان ایرانی چون در احرام خود نجاست کرده و می‌خواست دور خانه کعبه بریزد، دستگیر شد و به این مناسبت فرمان قتل او که به گواهی امیر رسیده است اجرا می‌شود.

سپس جلاد سر به گوش ابوطالب گذارده آخرین دقایق زندگی را به عربی به او یادآور می‌شود و ابوطالب که تا آن لحظه نه مفهوم محاکمه را فهمیده بود و نه از متن حکم که به زبان عربی قرائت می‌شد چیزی می‌فهمید، ساکت و آرام نشسته نگاه به جمعیت دوخته بود که ناگاه جلاد با نوک نیزه فشاری به پشت گردن ابوطالب وارد می‌سازد.

بر اثر تصادف نوک نیزه، خون جاری و ابوطالب از ترس، سرش را جلو می‌برد و در همین لحظه جلاد با یک ضربه شمشیر بزرگی که در دست داشت بر گردن او فرود می‌آورد، گردن به وضع فجیعی بریده شد، ولی استخوان حلق مانع از قطع شدن سر می‌شود.

اما بلافاصله شمشیر برای بار دوم به حرکت درآمده سر از گردن جدا و روی پای ابوطالب می‌افتد و بنا به گفته همسرش آخرین کلمه‌ای که ابوطالب بر زبان آورده پس از گفتن إِنَّا للَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ این جمله بود: «آخر شما کار خودتان را کردید».

بلافاصله دو اتومبیل در محل حاضر می‌شود و یکی سر جدا شده و بدن را به پزشک قانونی منتقل می‌نماید و دیگری با ریختن شن درصدد از بین بردن آثار جنایت برمی‌آید.

ص: ۱۲۹

شیخ علی اصغر یکی از حجّاج ایرانی است که برای رضای خدا داوطلب به خاک سپردن این شهید می‌شود. پلیس سعودی به شیخ علی اصغر خبر می‌دهد که جنازه برای تحویل حاضر است.

وقتی که به پزشک قانونی می‌روند، متوجّه می‌شوند که سرابوطالب را معکوس روی بدن گذارده و دوخته‌اند.

زیرا وهابی‌ها عقیده دارند این قبیل گنهکاران را بایستی پس از قتل، با سرِ معکوس در قبر گذارد تا هنگام محشر از دیگران تشخیص داده شوند!! مسخره‌تر از همه این صحنه‌ها مطالبه دستمزد برای دوختن سر بوده است!

به شیخ علی اصغر می‌گویند: ۶۵ ریال سعودی دستمزد بخیه زدن سر به بدن را پرداخت کند تا جسد تحویل واجازه حمل داده شود!

شیخ علی اصغر عصبانی شده، فریاد می‌زند: پول را بایستی کسی بدهد که فرمان قتل داده است!

بالأخره بدون پول ولی با مجادله، جسد را تحویل و در قبرستان شهدا دفن می‌کنند.

روزنامه عصر آن روز مکه، خبر را به این طریق در صفحه اوّل خود منعکس ساخته بود

«دستگیر کردیم ابوطالب ایرانی از اهالی یزد که از شیعه‌های ایرانی است و برداشته بود کثافات آدمی را و می‌خواست دور کعبه بریزد و ثابت شد جرم او به اعدام و به امضاء ملک عبدالعزیز سعود حکم اعدام بموقع اجرا گزارده شد».

ص: ۱۳۰

تصویر؟؟؟

ابوطالب یزدی (اردکانی) در حالی که جلاد آخرین دقایق زندگی را به زبان عربی به او یادآور می‌شود.

تصویر؟؟؟

سر ابوطالب یزدی، در حالی که در دامنش افتاده و خون از گلویش فوران می‌کند.

ص: ۱۳۱

خبر شهادت ابوطالب موجی از خشم و ناراحتی را در میان شیعیان جهان به وجود می‌آورد. حضرت آیهٔاللّه سیّدابوالحسن اصفهانی که در کربلا مقیم بود واکنش شدید نشان داد و اهالی نجف و کربلا هر یک به طریقی ابراز انزجار خود را از این عمل نشان دادند و در ایران عزای عمومی اعلام و در اکثر شهرها مجالس ختم برگزار گردید و رابطه ایران و سعودی قطع گردید و مدّت چهار سال دولت ایران از اعزام حجّاج ایرانی به مکّه خودداری نمود و در اردکان که محلّ زندگی ابوطالب بود، موجی از غم و ناراحتی به وجود آمد و خانواده‌اش که منتظربازگشت وی بودند، پس از مطلع شدن از جریان، یک پارچه منقلب گردیدند و دو خواهر وی در مدّت کوتاهی جان خود را از دست دادند و مردم اردکان نیز با برگزاری مراسم ختم و عزاداری، یاد آن شهید مظلوم را گرامی داشتند. (۱)

۳- شرح ماجرا به نقل از کتاب «با من به خانه خدا بیایید»

وقتیکه گردانندگان سیاست تصمیم میگیرند ...

هیجده سال پیش یعنی در سال ۱۳۲۲ واقعه جان‌خراشی را دست سیاست ایجاد و با گردن زدن یک بی‌نوای ایرانی، روابط

---

۱- کتاب تاریخ اردکان، تألیف علی سپهری اردکانی، انتشارات حنین اردکان، ۱۳۷۴ ه. ش. ص ۶۵ تا ۶۸.

ص: ۱۳۲

فیمابین کشور سعودی و ایران را قطع و برای چند سال مانع از حرکت حجاج ایران به‌مکه گردیدند و در نتیجه اولیاء کشور سعودی، قِران داغ شده از مبالغ قابل توجهی منافع محروم شدند.

آنها در مقابل گردانندگان سیاست چه کرده بودند من نمی‌دانم فقط آنچه مسلم است وقوع این صحنه به‌قیمت جان ابوطالب یزدی حاجی ایرانی تمام شد.

با این‌که هجده سال از آن تاریخ می‌گذرد ولی چون قسمتی از تاریخ روابط ما و آنها می‌باشد بد نیست بدانید تا طلب مغفرتی هم برای آن حاجی شده باشد. گوش کنید تا صحنه آنرا از چند ساعت قبل از وقوع شرح دهم:

روز ۱۲ ذیحجه هر سال یک جشن عمومی است، زیرا در چنین روزی خاندان سعودی موفق گردیده‌اند که دست خاندان شریف یا به‌قول خودشان شرفا را از حکومت مکه قطع و جانشین آنها شوند.

در این روز فرزندان ابن سعود که در هر حال تعدادشان زیاد است با عده‌ای که همراه دارند، در خیابان حرکت و با پرچم سبز و شمشیرهای برهنه (نوحه نصر) می‌خوانند.

آن‌روز که این واقعه اتفاق افتاد، جمعه (۱۲ ذیحجه ۱۳۶۲ هجری هیجدهم دیماه ۱۳۲۲ شمسی و ۱۰ دسامبر ۱۹۴۳ میلادی) بود نمایش دهندگان دسته جمعی به کاخ ملک عبدالعزیز بن سعود رفته شاه را از کاخ سلطنتی خارج و به‌طرف خانه کعبه آوردند تا به

ص: ۱۳۳

شکرانه این روز نماز جماعت ادا شود.

ابن سعود به‌طرف خانه کعبه می‌آید

ساعت ۵/ ۱۱ ماشین سیستم ۱۹۴۲ پادشاه حجاز از بیرون دروازه عرفات بداخل شهر وارد شد.

دو نفر سیاهِ قد بلند طرفینِ رکاب ماشین ایستاده، دستی به شیشه ماشین نگاه داشته و با دست دیگر اسلحه‌های خود را به‌طرف جمعیت نگاه داشته بودند.

جلوی این ماشین هم یک ماشین مجهز به مسلسل سبک و پشت سر آن یک اتوبوس سربازان وهابی و هشت اتومبیل شیوخ عشایر بود.

ماشین سلطنتی جلوی باب السلام متوقف و پادشاه حجاز در میان صف سربازان مسلح از اتومبیل خارج و به‌طرف مقام ابراهیم رهسپار گشت.

فقط نماز ظهر ادا شد پادشاه پیشنماز و حجاج مختلف و اهالی آن سامان که در آن ساعت در خانه کعبه بودند، به ابن سعود اقتدا نموده نماز این روز پایان یافت. پس از نماز ورقه‌ای برای مطالعه پادشاه ارائه و او پس از چند دقیقه مطالعه، صحه بر روی آن گذارده و بدین‌طریق فرمان را توشیح کرد!!!

هیچ کس نفهمید که فرمان جدید چه بود و پس از اداء نماز، پادشاه با همان تشریفات از خانه کعبه خارج و به کاخ سلطنتی خویش مراجعت نمود.

ص: ۱۳۴

این فرمان که پس از نماز و در خانه کعبه به امضاء رسید، حکم ناجوانمردانه قتل ابوطالب یزدی حاجی ایرانی بود که به‌وسیله قاضی شهر مکه رأی آن صادر و پس از موافقت ابن سعود به مورد اجرا گذارده می‌شد.

فرمان قتل بدین‌طریق اجرا شد ......

صحنه ساختگی از این قرار بود که، چند نفر مصری شهادت می‌دهند که ابوطالب یزدی را دیده‌اند که در داخل احرام خود نجاست نموده می‌خواسته است به‌منظور هتک احترام خانه کعبه نجاست را اطراف خانه بریزد!!!

بلافاصله محکمه تشکیل و فی‌المجلس رأی گردن زدن ابوطالب صادر و به آن طریق که دیدیم به امضاء پادشاه رسید.

جلوی بازار صفا و مروه، آنجا که حریم امنیت برای حیوانات است، دو ساعت پس از مراجعت امیر از خانه کعبه، ۵۰ نفر پاسبان و افسر پلیس ابوطالب را در حالی‌که با دست‌بند بوده است، از مرکز پلیس که در همان نزدیکی است خارج و در میان جمعیت جلوی سکوی مجازات قرار می‌دهند.

جلاد رسمی دولت سعودی، که یک‌نفر سیاه پوست بلند قامت بود، ابوطالب را چهار زانو روی زمین نشانده و بازوان او را بر محوری ثابت بسته و سپس به‌دستش قفل زد.

جمعیت در میدان که نزدیک دار القضاء شرعی بود جمع شده و منتظر اجرای فرمان بودند.

ص: ۱۳۵

فرمان قتل به زبان عربی قرائت و ترجمه آن بدین قرار است:

«ابوطالب از شیعیان ایرانی چون در احرام خود نجاست کرده و می‌خواسته دور خانه کعبه بریزد، دستگیر شد و به‌این مناسبت فرمان قتل او که به‌گواهی امیر رسیده است اجرا می‌شود.»

ابتدا جلاد با نوک نیزه فشاری به پشت گردن ابوطالب وارد می‌سازد، بر اثر تصادف نوک نیزه، خون خارج و ابوطالب از ترس سرش را جلو می‌برد و در همین لحظه جلاد با یک ضربه شمشیر بزرگی که در دست داشت بر گردن او فرود می‌آورد، گردن با وضع فجیعی بریده‌شده ولی استخوان حلق مانع از قطع سر می‌شود شمشیر دوم‌به‌حرکت درآمده سر ازگردن جداوروی پای ابوطالب می‌افتد ...

سر مقتول را چرا واژگون دوخته‌اند؟

بلافاصله دو اتومبیل در محل حاضر می‌شوند، اتومبیل اول متعلق به صحّیّه بوده، سر جدا شده و بدن دست بند زده ابوطالب را، به پزشکی قانونی می‌برند. اتومبیل دوم، کامیون شهرداری بود که با ریختن شن خون‌های جاری شده را پاک و آثار جنایت را از میان برداشتند ...

شیخ علی اصغر تهرانی، یکی از حجاج ایرانی بود که برای رضای خدا داوطلب به‌خاک سپردن این شهید می‌شود، پدر زن ابوطالب و دو برادرش نیز در این سفر همراه بوده‌اند.

مطالبه دستمزد دوختن سر بریده

مسخره‌تر از همه این صحنه‌ها مطالبه دستمزد برای دوختن سر

ص: ۱۳۶

بوده است.

به شیخ علی اصغر تهرانی می‌گویند: ۶۵ ریال سعودی که معادل ۱۰۴ تومان آن‌وقت بوده است دستمزد بخیه زدن سر را به‌بدن پرداخت کنند تا جسد تحویل و اجازه حمل داده شود!!!

شیخ علی اصغر عصبانی شده و فریاد می‌زند، پول را بایستی کسی بدهد که فرمان قتل داده و بالاخره بدون پول، ولی با مجادله جسد را تحویل و در قبرستان شهداء دفن می‌کنند.

علل سیاسی این صحنه

بدین ترتیب تراژدی حزن انگیز قتل ابوطالب ایرانی پایان یافته و شایع است که پنج نفر مصری که شهادت بر این کار داده بودند، از شخص ثالثی پول دریافت و شهادت دروغ داده‌اند تا این صحنه‌ها ایجاد شود.

روایت دیگری هم وجود دارد که می‌گویند: ابوطالب حالش بهم خورده به‌محض اینکه می‌خواهد استفراغ کند، به احترام خانه کعبه در احرام خود استفراغ می‌کند و از این جریان چهار نفر هندی سُنّی استفاده برده و شهادت می‌دهند که او نجاست آورده بود تا دور خانه کعبه بریزد. ولی عده‌ای که مسائل را از دریچه چشم سیاست نگاه می‌کنند، معتقد هستند که ضمن این جریان چند مسئله را نبایستی دور داشت و بعید نیست که یکی از مسائل شش‌گانه زیر سبب وقوع این صحنه باشد:

وضعیت سیاسی عربستان سعودی با مصر و هندوستان.

ص: ۱۳۷

نظریات این دو کشور در آن‌زمان نسبت به‌ایران.

قضیه خلافت مسلمین که در آن موقع فاروق خود را برای آن کاندید کرده بود.

فکر بین‌المللی کردن حکومت مکه.

مسئله نفت عربستان و آمریکا و مخالف بودن دولت انگلیس با آن.

جلوگیری از خروج پول ایران به کشور سعودی به منظور در مضیقه قرار دادن اولیاء کشور سعودی، آنچه مسلّم است اولیاء کشور سعودی با این عمل قلوب ایرانیان را جریحه دار و به‌حریم امنیت خانه کعبه تجاوز نمودند.

اهالی نجف و کربلا هر یک به‌طریقی ابراز انزجار و حتی مدتی از فروش جنس به وهابی‌ها خودداری میکنند.

مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی نیز که در آن‌موقع از نجف به کربلا رفته بود واکنش شدیدی نشان داده و عمل او موجب تقویت فکر جلوگیری از حرکت حجاج ایرانی به آن سامان شد.

دولت ایران نیز چهار سال مقاومت نموده از حرکت حجاج جلوگیری وضمن این‌مدت اگر مسافرتی شد به طریق قاچاق و به کمک حمله‌داران بوده است تا سرانجام سردمداران سیاست وسط افتاده، فیمابین دولتین را آشتی و راه مکه بار دیگر برای ایرانیان باز شد. (۱)

---

۱- با من به خانه خدا بیایید، محمدرضا خلیلی، صص ۴۹۱ تا ۴۹۵.

ص: ۱۳۸

ص: ۱۳۹

۴- گزارش حادثه از زبان مرحوم شیخ علی نخودکی

در نیمه دوم سال ۱۳۲۲، حاج شیخ به همراه همسرش بی‌بی زهرا و فرزندش شیخ محمّد و همسر او بی‌بی صاحب و خانواده حاج محمّد کهدویی راهی سفر مکّه شدند. برگزاری مراسم آن سال مصادف بود با یکی از تلخ‌ترین روزهای تاریخی برای حجّاج بیت اللَّه الحرام؛ روزی که ابوطالب اردکانی (یزدی) در حین برگزاری مناسک حج و دگرگونی حالت جسمانی دچار تهوّع شد و کارگزاران دولت سعودی او را به گناه توهین به خانه خدا، دستگیر و سپس گردن زدند.

حاج محمّد آقا، پسر آیت اللَّه حاج آقا حسین قمی، که برای هر کاری از حاج شیخ کسب تکلیف می‌کرد، به ایشان مراجعه کرد که درباره قتل ابوطالب چه کنیم؟ حاج شیخ گفت: فعلًا نباید کاری کرد؛ مگر دیروز ندیدی که در عرفات، مسلسل‌ها را برای ما آماده کرده بودند! از سویی ما قاچاقی آمده‌ایم و باید ببینیم آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی چه می‌گویند؟ پس دویست ریال به محمّد آقا قمی داد که برود کسی را بیابد تا گردن ابوطالب اردکانی را به بدنش بخیه کنند و سپس او را دفن نمایند.

مسافران پس از سفر بیست روزه به مکّه، هنگامی که قصد بازگشت داشتند، باخبر شدند آن شرکت مسافربری، که با آن به مکّه آمده بودند و متعلّق به عبدالرزّاق شامی بود، ورشکست شده است،

ص: ۱۴۰

از این رو بی‌وسیله شدند و به‌ناچار حاج شیخ و همراهان به مدینه رفتند، مردم مدینه به محض دیدن وی، به دور ایشان حلقه زدند و خواستار ماندن او در مدینه شدند، حاج شیخ به این شرط قبول کرد که حاجی بی‌بی زهرا (همسرشان) راضی باشد تا در مدینه بماند.

وی در این مدّت در یکی از مساجد مدینه نماز جماعت اقامه می‌کرد و به منبر می‌رفت .... (۱)

۵- گزارش بخشی از مسائل در بیستمین سالنامه دنیا

من (۲) علاوه بر سمت سفارت کبرای ایران در مصر، عنوان وزیر مختاری ایران در عربستان سعودی را هم دارا بودم و قصد داشتم برای تسلیم استوار نامه‌های خود به عبدالعزیز بن سعود پادشاه عربستان، به آن کشور بروم که خبر رسید یکی از حجاج ایرانی بنام ابوطالب یزدی را که در مسجد مکه معظمه دچار کسالت شده بود و بی‌اختیار مقداری آب دهان خارج ساخته بود دستگیر نموده و به‌دستور قاضی شرع مکه در بازار مکه سر بریده‌اند.

سر بریدن حاجی ایرانی باعث قطع رابطه بین ایران و عربستان سعودی شد و من چند نامه تند و شدید اللحن، برای وزیر مختار عربستان سعودی مقیم قاهره فرستادم و به این عمل دور از انتظار، که

---

۱- تندیس پارسایی، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- نویسنده مقاله آقای ساعد است.

ص: ۱۴۱

روح اسلام را جریحه‌دار ساخته است اعتراض نمودم. ملک فاروق هم قصد وساطت داشت و با من هم در این‌خصوص صحبت نمود ولی من به‌هیچ وجه حاضر نبودم تا قبل از عذر خواهی رسمی دولت عربستان از دولت ایران خواستار تجدید روابط شوم.

دولت عربستان سعودی به‌اطلاع فاروق رسانیده بود، گزارش ماموران امنیتی مسجد الحرام حاکی بود چون ابوطالب یزدی شیعه بود، با عمل قی و استفراغ قصد اهانت به جماعت تسنن داشت و از همین نظر قاضی شرع مکه حکم به جدا کردن سر از بدن ابوطالب داد. این استدلال درحقیقت بی‌پایه بود.

چندی نگذشت که خبر دادند عبدالعزیز بن سعود پادشاه عربستان، برای بازدید از ملک فاروق سفری به مصر خواهد کرد، البته فاروق چندی قبل از آن به ریاض سفر نموده بود و با ابن سعود ملاقات کرده بود.

چند روز بعد اطلاع یافتم شاید سفر ابن سعود انجام نشود، برای این‌که گزارش‌هایی به او رسیده بود که شاید افراد لژیون عرب که تحت ریاست و فرماندهی گلوب پاشا انگلیسی می‌باشند قصد جان او را بکنند. به‌هر حال قرار شد ابن سعود با عده بیشتری از فدائیان مسلح خود وارد مصر شود و مراقبت از جان او هم به‌عهده همان فدائیان واگذار گردد.

قصر زعفران را برای اقامت ابن سعود در نظر گرفتند و پادشاه عربستان سعودی در حالی‌که ملک فاروق به پیشواز او رفته بود وارد

ص: ۱۴۲

قاهره شد، ابن سعود هجده تن از پسرهای خود را هم به مصر آورده بود، البته او بیش از ۱۸ پسر داشت و به‌روی‌هم تعداد فرزندان پادشاه حجاز به ۴۵ دختر و پسر می‌رسید.

در تمام میهمانی‌هایی که به‌افتخار ابن سعود بر پا شده بود من هم شرکت داشتم و چون از سفرای اسلامی دعوت به‌عمل می‌آمد، معلوم بود به‌علت داشتن مقام سفارت کبری، صندلی من در صدر تالار قرار داشت، میز غذا خوری بسیار طویل بود و صندلی من بغل دست ابن سعود و دست راست پادشاه عربستان هم صندلی فاروق قرار داشت.

در سر میز غذا بیشتر صحبت‌های من با ابن سعود در اطراف قتل ابوطالب یزدی بود، و ابن سعود با خنده و داخل کردن سایر مسائل در صحبت‌ها میل داشت در اطراف این مسئله بحثی به‌عمل نیاورم، ولی در میهمانی بعدی این بحث را دنبال کردم و ابن سعود پادشاه کهنسال عربستان، که سالیان متمادی با دشمنان خود در ریگزارهای عربستان مشغول جنگ بود، شدیداً از این عمل ابراز تأسف کرد و اظهار داشت حاضر و آماده می‌باشد به‌هر طریقی که میسّر بوده باشد در رفع کدورت و تجدید روابط اقدام نماید.

ابن سعود بر خلاف انتظار من با دست غذا نمی‌خورد، بلکه از قاشق و چنگال استفاده می‌کرد، پشت سر ما دو نفر از فدائیان او با شمشیر آخته ایستاده بودند و شمشیرها را در دست داشته به‌شدت حاضرین را که عبارت از شاهزادگان، وزراء و سفرای کشورهای

ص: ۱۴۳

اسلامی بودند نظاره می‌کردند، تا اگر دست از پا خطا نمایند سر آنها را با یک ضربه شمشیر از تن جدا سازند.

برای حفظ جان ابن سعود آنچنان مراقبتی شده بود که فدائیان او اجازه ندادند پادشاه عربستان در اطاق‌های راحت و مجلل قصر زعفران به‌استراحت بپردازد، بلکه در وسط باغ زعفران چادر برپا کرده و ابن سعود در داخل این چادر می‌خوابید و ده‌ها نفر از فدائیان که شمشیرهای لخت در دست داشتند تا صبح از چادر ابن سعود محافظت می‌کردند .... (۱)

---

۱- بیستمین سالنامه دنیا، صص ۱۲۹ و ۱۳۰.

# درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹